



طراحی چارچوب کارکردهای گزارشگری پارانوئید و بررسی تأثیر آن بر لنگرهای ذهنی سهامداران

جهانبخش محمدی*، حمیدرضا جعفری دهکردی**، بهاره بنی طالبی دهکردی***

چکیده

پیش فرض استانداردهای گزارشگری مالی، تهیه اطلاعات مورد نیاز جهت تصمیم گیری‌های مالی ذینفعان است، اما کفایت اطلاعات ارائه شده معمولاً به دلیل ضعف تدوین الزامات از یک سو و عدم وجود هنجارهای رفتار مسئولانه در افشای اطلاعات فراگیر از سوی دیگر، یکی از مهمترین دلایل شکل گیری سوگیری‌هایی همچون پدیده لنگر ذهنی در سهامداران می‌تواند تلقی شود. هدف این مقاله طراحی چارچوب کارکردهای گزارشگری پارانوئید و بررسی تأثیر آن بر لنگرهای ذهنی سهامداران است. روش‌شناسی این مطالعه توسعه‌ای/کاربردی است، زیرا ضمن ارائه یک چارچوب اکتشافی از کارکردهای گزارشگری پارانوئید، مبنی بر ایجاد انسجام شناختی از فراگیری اطلاعات، به دنبال بررسی تأثیر آن بر محرک‌های لنگر ذهنی سهامداران می‌باشد. ابزار پژوهش در بخش کیفی، مصاحبه و تمرکز بر فرآیند گردن‌د تئوری جهت ارائه یک مدل چندبعدی در خصوص کارکردهای گزارشگری پارانوئید است تا براساس سنجش پایایی ابعاد شناسایی شده، جهت آزمون فرضیه پژوهش در بخش کمی، امکان تدوین پرسشنامه محقق ساخته وجود داشته باشد. در ادامه نیز از طریق تمرکز بر پرسشنامه استاندارد وانگ (۲۰۲۳) برای سنجش لنگر ذهنی سهامداران، مطالعه به واسطه تحلیل حداقل مربعات جزئی (PLS) فرضیه پژوهش را مورد بررسی قرار داد. نتایج در بخش کیفی طی ۱۳ مصاحبه حکایت از شناسایی ۳ مقوله، ۶ مولفه و ۳۹ مضمون مفهومی دارد که با انجام دو مرحله

* دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۷

** استادیار، گروه حسابداری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸

*** دانشیار، گروه حسابداری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. نویسنده مسئول: حمیدرضا جعفری دهکردی

تحلیل دلفی و حذف ۸ مضمون، نسبت به ارائه چارچوب نظری اقدام شد. نتایج در بخش کمی نیز نشان داد، کارکردهای گزارشگری پارانوئید بر محرک بودن لنگر ذهنی در تصمیم‌گیری‌های هیجانی سهامداران، تأثیر منفی و معناداری دارد. در واقع نتایج حاصله نشان می‌دهد کارکردهای ذهنی در تصمیم‌گیری تحت وجود گسترده‌ی اطلاعات افشاشده از طریق کارکردهای پارانوئید، لنگرهای مبتنی بر تجارب گذشته سهامداران را تغییر می‌دهد و به واسطه حجم اطلاعات ارائه شده از مجموع گزارش‌های مالی توسط شرکت‌ها، ریسک سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. براساس نتایج این مطالعه به سیاستگذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری توصیه می‌شود تا سطح نظارت‌های نهادی بر شرکت‌ها را برای افشای فراگیر اطلاعات توسعه بخشند تا از این طریق از بروز نابهنجاری‌های رفتاری در بازار سرمایه جلوگیری شود.

واژه‌های کلیدی: گزارشگری پارانوئید، لنگر ذهنی، تصمیم‌گیری احساسی

مقدمه

تغییرات شرایط بازار و رویکردهای ادراکی سرمایه‌گذاران، امروزه به یکی از چالش‌های اصلی گزارشگری مالی شرکت‌ها بدل شده است و باعث گردیده تا ماهیت افشای اطلاعات از رویکردهای صرفاً کلاسیک به سمت رویکرد مدرن یا اصطلاحاً نئولیبرالیسم حرکت نماید (ولوچی^۱، ۲۰۲۱). کارکردی که با اشاره به ناکارآمدی سیستم گزارشگری مالی شرکت‌ها به دلیل تمرکز صرف بر افشای الزامات استانداردها، به دنبال وسعت بخشیدن به نقش تعامل‌پذیری سیستم گزارشگری مالی به عنوان یک مبنای رقابتی در سطح شرکت‌ها است (کریستیانیس^۲، ۲۰۱۹). یکی از نوظهورترین شیوه‌های گزارشگری مالی، سبک پارانوئید افشای اطلاعات می‌باشد که با الگوبرداری از تئوری‌های اجتماعی/اقتصادی همچون جامعه ضدآنومیک، به دنبال تقارن‌پذیری اطلاعات برای جلوگیری از برهم خوردن ثبات بازارهای مالی می‌باشد (مارتینز و همکاران^۳، ۲۰۲۲). سبک پارانوئید در شیوه گزارشگری مالی محافظه‌کارانه برای جلوگیری از تشنج و بروز رفتارهای نابهنجار در بازار سرمایه از جانب سرمایه‌گذاران است (رادفورد^۴، ۲۰۲۳). در این شیوه از افشای اطلاعات، رویه‌های حسابداری با تمرکز بر انعکاس جنبه‌های منفی

عملکردهای مالی خود، تلاش دارند تا مانع از عمیق تر شدن شکاف بین بازده مورد انتظار با بازده واقعی شرکت‌ها در آینده شوند و از این طریق احتمال ریسک آتی سقوط قیمت سهام را کاهش دهند (میرزائی و همکاران، ۱۳۹۹).

شاید مهمترین بخش یک بازار مالی، شیوه تعامل شرکت‌ها از طریق افشای اطلاعات و گزارشگری مالی با سرمایه‌گذاران باشد که پویایی و امکان جریان گردش نقد را در این دست از بازارها ممکن می‌سازد و باعث می‌شود تا هیجانانگیزانه سرمایه‌گذاران و سهامداران کنترل گردد (خواجوی و همکاران، ۱۴۰۰). لنگرهای ذهنی سهامداران یکی از تورش‌های رفتار تصمیم‌گیری در بازار سرمایه است که در صورت وجود فضای مبتنی بر عدم تقارن اطلاعاتی می‌تواند منجر به برهم خوردن تعادل بازار سرمایه شود. به عبارت دیگر لنگرهای ذهنی یکی از مباحث مطرح در تئوری‌های مالی رفتاری است که تصمیم‌گیری‌های مجموعه سرمایه‌گذاران در شرایط عدم قطعیت^۵ را نشان می‌دهد (بازرمن و مور، ۲۰۱۳). در این پدیده تئوریک که نوعی تورش رفتاری در تصمیم‌گیری‌های مالی محسوب می‌شود، سرمایه‌گذاران بر اساس اتکاء به اولین اطلاعاتی که بدست می‌آورند، اقدام به اتخاذ تصمیم می‌نمایند (چن و همکاران^۶، ۲۰۲۴). در واقع ذهن بر اساس حجیم نمودن اطلاعات در تصمیم‌گیری‌های خود، لنگر می‌اندازد و زحمت جستجوی بیشتر را به خود برای رسیدن به شناخت در تصمیم‌گیری را نمی‌دهد (هور و سینگه^۷، ۲۰۲۰). در این شرایط فرصت تصمیم‌گیری برای سهامداران و سرمایه‌گذاران در بازار محدود می‌شود و فرد را با ریسک مواجه می‌کند. غالباً وقوع یا عدم وقوع لنگرهای ذهنی سرمایه‌گذاران در بازار، اتکاء به مجموعه‌ای از اطلاعات قابل دسترسی است که ترکیب شدن آن با تجربیات گذشته سبب می‌شود، تا فرد با جدیت بیشتری اقدام به تصمیم‌گیری نماید (شین و پارک^۸، ۲۰۱۸). لذا هیجانانگیز بازار می‌تواند محرک اثرگذاری بر ایجاد لنگرهای ذهنی در بازار سرمایه تلقی شود. در واقع هیجانانگیز بازار که بدلیل ناکارایی؛ عدم تقارن و یا رانت‌های اطلاعاتی ایجاد می‌شود، می‌تواند به لزوم توجه به چرایی وقوع این اتفاق در سطح بازار سرمایه کمک نماید. به عبارت دیگر عدم اطمینان سرمایه‌گذاران در سطح بازار سرمایه و فقدان سازوکارهای حفاظت از منافع سهامداران، محرک قابل اعتنایی در شکل‌گیری پدیده لنگرذهنی در بازار تلقی شود (لام و همکاران^۹، ۲۰۲۴). به علاوه لی و یو^{۱۱} (۲۰۱۲) استدلال می‌نمایند، اولاً شناخت پدیده‌ی لنگرهای ذهنی می‌تواند تا حد بسیار زیادی به

راهبردهای بازار در برابر واکنش‌های احساسی و فرآیندهای تصمیم‌گیری هیجانی سرمایه‌گذاران منجر شود و ثانیاً براساس تدوین برنامه‌های آموزشی یا توسعه ارزش‌های تخصصی در تصمیم‌گیری‌های بازار، می‌تواند به جلوگیری از بروز چنین خطاهای روانشناختی منجر شود. بنابراین همان‌طور که می‌توان از ماهیت لنگرهای ذهنی سهامداران و سرمایه‌گذاران درک نمود، وجود چنین پدیده‌ای به عنوان یک تورش تصمیم‌گیری در بازارهای مالی می‌تواند پیامدهای منفی را در بازار سرمایه داشته باشد (تلیل و همکاران^{۱۲}، ۲۰۲۳). به عنوان مثال وقوع نوسانات بازار سرمایه به دلیل دخالت دولت در جذب نقدینگی سرمایه‌گذاران و سهامداران در سال ۱۳۹۸ بورس اوراق بهادار تهران، می‌تواند به عنوان یک تجربه منفی محرک بروز تصمیم‌های آتی سهامداران در قالب پدیده لنگر ذهنی تلقی شود که به بی‌اعتمادی در بازار منجر شده است. اما مسئله این است اساساً چه کارکردی در افشای اطلاعات می‌تواند زمینه برای بروز چنین تورش ادراکی را در بازار ایجاد کند؟

اگرچه فاکتورهای زیادی از عملکردهای مسئولانه شرکت‌ها، می‌تواند وجود داشته باشد که تاحدی از وقوع چنین خطایی در ادراک تصمیم‌گیرندگان مالی جلوگیری نماید، اما این مطالعه با درک چنین تجمیع اطلاعات منفی به عنوان ذهنیت تجربی بازار سرمایه، معتقد است که از طریق ارتقای سطح شناخت و توسعه‌ی کارکردهای گزارشگری پارانوئید تاحد زیادی می‌توان، وقوع لنگرهای ذهنی سهامداران را به عنوان یک پدیده منفی و نابهنجار در بازار سرمایه تقلیل داد. لذا این مطالعه از طریق یک فرآیند چند بعدی در پیاده‌سازی این مفهوم گزارشگری، تلاش دارد تا ابتدا از طریق تحلیل گزیندگی تئوری، ابعاد آن را در قالب یک مدل چند بخشی مشخص نماید و سپس از طریق فرآیند تحلیل دلفی نسبت به سنجش پایایی ابعاد اقدام کند تا در نهایت با استفاده از ابزار پرسشنامه و تحلیل حداقل مربعات جزئی، امکان بررسی تأثیر کارکردهای گزارشگری پارانوئید بر لنگرهای ذهنی سهامداران را مورد بررسی قرار دهد.

با تشریح چرایی ماهیت پدیده مورد بررسی و ضرورت مطالعه در بستر شرکت‌های بازار سرمایه، در ادامه اقدام به ارائه مبانی نظری می‌شود تا سطح شناخت از رویکردها و تئوری‌های مرتبط بین متغیرهای پژوهش به دانش افزایی مطالعه کمک نماید. سپس روش‌شناسی پژوهش مبنی بر شیوه اندازه‌گیری متغیرها و جامعه آماری بسط داده می‌شود تا امکان پیاده‌سازی تحلیل‌ها جهت تعیین یافته‌های پژوهش در بخش چهارم مهیا گردد. در نهایت در بخش نتیجه‌گیری استدلال‌های لازم در خصوص آزمون فرضیه پژوهش مطرح می‌شود.

مبانی نظری

گزارشگری پارانوئید

پارانوئید مبحثی برآمده از دانش روانشناسی است که به عنوان یک اختلال رفتاری، دلایل عملکردهای فردی را توجیه می‌نماید و به شناخت فراگیر ارتباطات بین فردی و اجتماعی کمک می‌کند. بسط این پدیده به حوزه‌های شناختی و کارکردهای گزارشگری مالی شرکت‌ها از ماهیت گفتمان استراتژیک بین شرکت با ذینفعان بر می‌آید و بر فرآیندهایی از شیوه‌های ارزیابی انتقادی متکی است که می‌تواند افشای اطلاعات مالی را برای استفاده کنندگان ملموس‌تر و قابل فهم‌تر نماید (لو^{۱۳}، ۲۰۲۲). این پدیده نوظهور در راستای شیوه‌های گزارشگری مالی، به دنبال آن است تا با شفافیت بیشتر اطلاعات، هرگونه خوش بینی مفرط و یا برآوردهای مبتنی بر بیش‌اعتمادی مدیران را از طریق شیوه‌های ارزیابی انتقادی به گونه‌ای به ذینفعان مخابره کند تا ضمن کنترل هیجانات بازار سرمایه، سطح شناخت عمیق‌تری از عملکردهای مالی شرکت را برای آنان ارتقا بخشد تا تصمیم‌گیری‌های مالی از کیفیت بالاتری برخوردار باشد (رادرفورد، ۲۰۲۳). این مفهومی نظری که ابتدا توسط ریچارد هافستاتر^{۱۴} (۱۹۶۵) مطرح گردید، سطح قابل توجهی از ادبیات مرتبط با پارانوئید را به جنبه‌های شناخت عملگرایانه استفاده‌کنندگان از اطلاعات، پیوند می‌زند و به عنوان یک روش جایگزین در خوانایی اطلاعات، به تفاسیر جامع‌تر ذینفعان از واقعیت‌های افشاشده در گزارشگری مالی کمک می‌نماید. در این سبک از گزارشگری مالی، شرکت‌ها مطابق با نظر مورفی و همکاران^{۱۵} (۲۰۱۳) در تلاش برای کاهش شکاف هزینه‌های نمایندگی می‌باشند. چراکه هزینه‌های ناشی از تحریف اطلاعات و عدم افشای واقع‌بینانه شرکت‌ها را مبنایی برای ریزش قیمت سهام شرکت تعبیر می‌نمایند. براین اساس مونیسا^{۱۶} (۲۰۲۲) راهکار مورد استفاده پارانوئید مالی را برای شرکت‌ها پیشنهاد می‌دهد تا از این طریق بتوانند، با ارجاع عملکردهای واقع‌بینانه به صورت لحن منفی به ذینفعان خود، شکاف ناشی از هزینه نمایندگی را کاهش دهند و تصمیم‌گیرندگان مالی را با دنیای واقعی‌تر عملکردهای صورت گرفته، همراستا نمایند. برای درک بهتر گزارشگری پارانوئید، می‌بایست به ماهیت محتوایی پارانوئید در دانش بین رشته‌ای مراجعه کرد. بکمن و دی‌لیثو^{۱۷} (۲۰۲۱) با استفاده از مفهوم پارانوئید در علم سیاست، اذعان می‌نمایند که زبان و لحن تعاملات دیپلماتیک، می‌تواند سر منشأیی مبتنی بر ضمائم پارانوئید داشته باشد تا

حدی که به عنوان یک ابزار تشخیصی می‌تواند در بیانیه‌های سیاسی، حاوی سیگنال‌هایی برای ذینفعان یا طرفین یک مذاکره تلقی شود. لذا همانطور که مشاهده می‌شود، بکارگیری پارائوئید در ارتباطات، اگرچه حاوی لحنی تند و منفی می‌باشد، اما می‌تواند در تفسیر شفاف از واقعیت‌های ادراکی طرف مقابل، در ارتباط به حساب بیاید. بر این مبنا، کارکردهای پارائوئید را می‌بایست همچون شمشیر دولبه‌ای تلقی نمود که اگرچه حاوی محدودیت‌هایی به لحاظ انقطاع ارتباط بین طرفین در ظاهر نمایان می‌نماید، اما پیام‌های مبتنی بر پارائوئید، حاوی زمینه‌های از شناخت بهتر از رویکردهای قابل انعکاس است.

بنابراین محققانی همچون شورت^{۱۸} (۲۰۱۲)؛ اشنایدنمن^{۱۹} (۲۰۱۶) و بکمن^{۲۰} (۲۰۲۰) کارکرد پارائوئید را نوعی آشکارسازی ضمنی در انعکاس اطلاعات تلقی می‌کنند که می‌تواند به فراگیری جنبه‌هایی از شناخت ادراکی تصمیم‌گیرندگان کمک نماید. لذا بسط این پدیده به بستر کارکردهای گزارشگری مالی سبب می‌شود تا افشاء اطلاعات با محتوای بیشتر و اغراق کمتر به اطلاع ذینفعان برسد و بر مبنای رویکرد روشنگرانه، آنان را در رسیدن به فضائلی از نظر آگاهی و شناخت بیشتر کمک نماید تا به دور از تعصب‌ها یا بروز رفتارهای نابهنجار، اصل واقعیت عملکردی را مورد قضاوت قرار دهند. یکی از نقطه‌های آغازین مطالعه‌های مرتبط به بسط چنین رویکردی در گزارشگری مالی، مطالعه‌ی پاور^{۲۱} (۲۰۱۰) است که به ارائه‌ی مفاهیمی از پارائوئید در «جامعه‌شناسی قابلیت اطمینان حسابداری»^{۲۲} می‌پردازد و با اتکاء به کارکرد محتوایی تجدید ارائه صورت‌های مالی^{۲۳}، زمینه‌های افشاء اطلاعات قابل اتکاء برای ذینفعان را ملموس‌تر می‌نماید. بطوریکه ارب و پلگر^{۲۴} (۲۰۱۵) با الهام از پژوهش پاور (۲۰۱۰)، تغییراتی که هیأت استانداردهای حسابداری مالی^{۲۵} و هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری^{۲۶} در افشاء فراگیرتر اطلاعات برای ذینفعان را، مدنظر قرار داده‌اند، بررسی می‌کنند و اذعان می‌نمایند، بکارگیری پارائوئید می‌تواند تصویر واقع‌بینانه‌تری از آگاهی عملکردی شرکت‌ها را در تصمیم‌گیرندگان مالی، تداعی نماید. این محققان نتیجه‌گیری می‌کنند که استانداردگذاران در حوزه حسابداری، با درک ضعف استفاده‌کنندگان از اطلاعات ارائه شده به روش‌های سنتی و کلاسیک در رویه‌های حسابداری، هر روزه تلاش می‌کنند تا از طریق یک رویکرد بین‌الادھانی از مفاهیم نظری، هنجارهایی را به وجود بیاورند تا مرزهای شناخت استفاده‌کنندگان از واقعیت‌های عملکردی شرکت را به سمت ارزش‌های برابر و عادلانه

گسترده تر نمایند. در این راستا حائز اهمیت است که بیان گردد، مورفی و همکاران (۲۰۱۳) نیز بسط نوعی شناخت انتزاعی را در رویه‌های حسابداری ملزوم تعامل پذیری بالاتر با ذینفعان تلقی می‌نمایند. در واقع مورفی و همکاران (۲۰۱۳) موضوعی فراتر از توسعه‌ی استانداردها را مورد بررسی قرار می‌دهند و با نقد پژوهش راونز کرافت و ویلیامز^{۲۷} (۲۰۰۹) که معتقدند، پایه اصلی شناخت از واقعیت‌های مالی، صرفاً توسعه‌ی استانداردهای حسابداری است، به این مسئله می‌پردازند که حوزه‌هایی از افشاء اطلاعات به صورت انتزاعی وجود دارد که ماورای استانداردها، با ترویج ارزش‌ها و هنجارهای عملگرایانه در افشاء اطلاعات توسط شرکت‌ها، حتی با لحن و زبانی منفی، به استفاده‌کنندگان از اطلاعات کمک می‌کند، از شناخت قابل اتکاتری در تصمیم‌گیری‌های مالی برخوردار باشند. پلگر^{۲۸} (۲۰۲۰) نیز در پژوهش دیگری در بسط کارکردهای گزارشگری پارانوئید، با تقویت دیدگاه‌های مربوط به تجدید ارزش اطلاعات مالی در پژوهش قبلی خود با ارب در سال (۲۰۱۵)، به این مسئله می‌پردازد که هئیت‌های استانداردگذاری حسابداری امروزه دریافته‌اند که انحصار اطلاعات می‌بایست شکسته شود، چراکه حتی در سایه وجود شدیدترین استانداردها، ممکن است شکاف‌هایی وجود داشته باشد که شرکت‌ها از آن برای دورزدن استفاده‌کنندگان از اطلاعات بهره ببرند. لذا اذعان می‌کند که بکارگیری پارانوئید در افشای اطلاعات اگرچه کارکردی مبتنی بر زبان منفی گزارشگری محسوب می‌شود، اما به شناخت ضمنی و قابل اتکاءتر ذینفعان کمک می‌کند. همچنین بیان می‌نماید دستیابی به چنین پیامدی، راهی به جزء هنجارسازی اخلاقی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی ندارد. لذا تأکید می‌کند که با تغییر پارادایم‌های سنتی، پذیرش نوعی تعامل‌پذیری هنجاری در افشای اطلاعات می‌تواند به مشروعیت بالاتر کمک نماید.

کارکرد گزارشگری پارانوئید و لنگرهای ذهنی سهامداران

یکی از چالش‌های بازار سرمایه وجود محرک‌هایی است که به بروز تورش‌های رفتاری تصمیم‌گیرندگان مالی منتج می‌شود. بخشی از این محرک‌ها مشهود و از قابلیت عینی برخوردار هستند و بخش مهمی از آن به دلیل عدم شناخت و عدم قطعیت معیارهای محیطی بازار، در تورش‌های تصمیم‌گیری رخ‌نمایی می‌کنند (موهانتای و همکاران^{۲۹}، ۲۰۲۳). اما مسئله در وهله اول و قبل از شناخت عوامل مؤثر بر آن که ماهیت مطالعه را نیز می‌تواند توسعه بخشد، نوع‌شناسی، تورش ذهنی سهامداران است. اساساً تورش‌های ذهنی

که به سوگیری نیز معروف هستند، به دلیل اختلال‌های ادراک فردی و جمعی در تصمیم‌گیری بروز می‌نماید و باعث می‌گردد تا فارغ از عقلانیت و تمرکز بر تحلیل‌های بنیادی و تکنیکال، براساس نوعی هیجان و عجله اقدام به تصمیم‌گیری نمایند، چراکه ترس از دست دادن منافع و بازده مورد انتظار باعث می‌شود تا به واسطه تحلیل‌های سطحی محیط بازار و یا به وجود آمدن احساسات توده‌وار رفتار جمعی، شناخت فرد دچار دستکاری مصنوعی در انتخاب بهترین تصمیم گردد (آشفق و همکاران^{۳۰}، ۲۰۲۳). یکی از نزدیک‌ترین تورش‌ها به موقعیت تعریف شده، لنگرهای ذهنی سهامداران می‌باشد. این تورش رفتاری که اولین بار توسط تورسکی و کاهنمن^{۳۱} (۱۹۷۴) مطرح گردید، به وجود نوعی محرک‌های ناخودآگاه در ذهن تصمیم‌گیرندگان اشاره دارد که به دلیل لنگرهای شکل گرفته در گذشته و براساس تجربیات منفی سایر ذینفعان، می‌تواند از طریق یک هیجان توأم با استرس به یک تصمیم ناپخته و حتی فراگیر در بازارهای مالی منجر شود.

وجود چنین ترجیحاتی در تصمیم‌گیری به واسطه اطلاعات قبلی در پیش‌فرض‌های ذهنی سرمایه‌گذاران، می‌تواند به تقویت لنگرهای ذهنی غالب در بازار تبدیل شود. به عبارت دیگر، در بازار سهام اگر اطلاعات دقیق‌تری در مورد کارکردهای قیمت‌گذاری بازار سرمایه موجود نباشد، قیمت موجود به عنوان قیمت درست تلقی می‌شود (ریتیکا و کیشور^{۳۲}، ۲۰۲۲). از طرف دیگر، هنگام رونق بازار، پس از هر بار افزایش قیمت، ذهن افراد روی آخرین قیمت، لنگر می‌اندازد و اطلاعات قبلی را نامربوط تلقی می‌کند (رهنمای‌رودپشتی و همکاران، ۱۳۹۷). لذا افراد معمولاً به آخرین اطلاعات منتشرشده، توجه کمتری کرده و آن را کمتر از اطلاعات قبلی در تصمیم‌گیری خود دخیل می‌کنند، به ویژه اگر این اطلاعات پیچیده باشند. بنابراین کم‌واکنشی در مقابل اطلاعات جدید روی می‌دهد (حنیفه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹). از سوی دیگر، براساس نظریه مطلوبیت مورد انتظار باید بیان نمود، که افراد یک گزینه کم‌نوسان‌تر را به عنوان مبنای تصمیم‌گیری ترجیح می‌دهند، که در این شرایط اتکاء به تجارب قبلی می‌تواند مبنای غالب در ایجاد لنگرهای ذهنی بازار سرمایه تلقی شود. در واقع سرمایه‌گذارانی با این سوگیری مواجه می‌شوند، اغلب تحت تأثیر قیمت خرید و یا شاخص قیمت بر پایه ترجیحات فردی، و نه ضابطه‌ای روشن، اقدام به تصمیم‌گیری می‌کنند (جاویدان‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰). لذا همانطور که مشخص است، بروز چنین تورشی می‌تواند سطحی از ناهنجاری را در بازار

سرمایه ایجاد نماید. لذا با شناخت ماهیت این مفهوم، در وهله دوم می‌بایست به این مسئله پرداخته شود که اساساً چه سازوکاری از جریان اطلاعات می‌تواند در کنترل لنگرهای ذهنی سهامداران مؤثر باشد. احتمالاً یکی از این جریان‌های اطلاعات، کارکردهای گزارشگری پارانوئید باشد.

اگرچه مصداق بارزی برای طرح چنین ادعایی در پژوهش‌های گذشته وجود ندارد و ماهیت این مطالعه را به یک دانش نوظهور بدل می‌نماید، اما می‌توان استنباط نمود که اساساً بکارگیری زبانی واقع‌بینانه در افشاء اطلاعات و اجتناب از خوش‌بینی مفرط در برآوردهای مالی شرکت‌ها در آینده، زمینه برای حفظ توازن بازار را تسهیل می‌نماید و تاحدی از بروز چنین تورشیهی در تصمیم‌گیری‌های مالی جلوگیری می‌کند. زیرا همانطور که در تفسیر پدیده گزارشگری پارانوئید بیان شد، نوعی واقع‌بینی برآمده از هنجارسازی اطلاعات در بستر عملکردی شرکت‌ها، می‌تواند ضمن ارتقای اعتماد بیشتر به بازار سرمایه، قدرت تحلیل و شناخت بالاتری را به تصمیم‌گیرندگان مالی بدهد تا مانع از به وجود آمدن هیجانات غیرواقعی و مبتنی بر احساس سرمایه‌گذاران گردد (کیم و همکاران^{۳۳}، ۲۰۲۲). رویکرد رادرفورد (۲۰۲۳) در این رابطه قابل تأمل است، چرا که مطرح می‌کند، توسعه کارکردهای گزارشگری پارانوئید که برآمده از محتوای ارزش‌های اجتماعی است، می‌تواند به واسطه پیگیری رویه‌های افشاء اطلاعات به زبان یا لحن واقع‌گرایانه و حتی منفی، تاحدی زیادی احتمال بروز ناهنجاری‌های تصمیم‌گیری در بازار سرمایه را کنترل نماید. لذا در سایه فقدان چنین تفکری در افشاء اطلاعات، احتمالاً اثرگذاری فرآیندهای مبتنی بر شناخت تحلیلی در تصمیم‌گیری‌های مالی کاهش می‌یابد و این مسئله باعث می‌شود تا سطح نوسانات تعارض در بازار سرمایه بیشتر گردد (جاین و همکاران^{۳۴}، ۲۰۲۲). به همین منظور موضوعی که قابل بررسی در این مطالعه می‌باشد این است که، به دلیل شرایط پرنوسان بازار سرمایه ایران، امروز سهامداران برای افشاء اطلاعات به جنبه‌های کیفی گزارشگری مالی مثل اصل صادقانه بودن و قابل‌اتکا بودن، بیشتر احتیاج دارند، تا بتواند تصمیم‌های دقیق‌تری در خصوص عایدات مورد انتظار خود از بازار سرمایه داشته باشند. عدم حمایت از ذینفعان، در قالب تشکیل اصناف مرتبط با حفاظت از حقوق سرمایه‌گذاران مالی در بازار سرمایه، می‌تواند یکی از مهمترین دلایل تمرکز بر توسعه شیوه‌های گزارشگری مالی واقع‌گرایانه همچون گزارشگری پارانوئید تلقی شود تا در سایه هنجاری‌سازی فراگیر در بازار سرمایه، به کاهش لنگرهای ذهنی در تصمیم‌گیری‌های مالی منجر شود. لذا براساس توضیح‌های ارائه شده، فرضیه پژوهش را می‌توان به ترتیب زیر ارائه نمود:

فرضیه پژوهش: کارکردهای گزارشگری پارانوئید بر لنگرهای ذهنی سهامداران تأثیر منفی دارد.

پیشینه تجربی

جمال و همکاران^{۳۵} (۲۰۱۸) مطالعه‌ای با عنوان آیا افشای مبتنی بر تضاد منافع باعث افزایش یا کاهش سوگیری در تصمیم‌گیری می‌شود؟ انجام دادند. در این مطالعه، از طریق روش‌شناسی نیمه تجربی، آزمایشی با استفاده از ارزش‌گذاران حرفه‌ای با تجربه برای بررسی فرضیه‌های مقایسه‌ای پژوهش صورت گرفت. لذا از طریق تحلیل واریانس پژوهش به دنبال این مسئله بود که آیا افشای فراگیر اطلاعات که به آشکار شدن جنبه‌هایی از تعارض منافع بین شرکت با سهامداران منتج می‌شود، می‌تواند در کاهش سوگیری مؤثر باشد. نتایج نشان داد، ارتباط اثربخش بین شرکت با سهامداران به واسطه افشاء قابل انکاتر اطلاعات، می‌تواند به شکل چشم‌گیری سطح سوگیری‌های ذهنی سهامداران را کاهش دهد. با این حال، زمانی که انگیزه‌ای برای اقدام بر خلاف منافع سهامداران وجود داشته باشد، کارکردهای بازار به شکل چشم‌گیری زمینه برای بروز ناهنجاری‌های تصمیم‌گیری سهامداران را افزایش می‌دهد. آریکان^{۳۶} (۲۰۱۸) پژوهشی تحت عنوان «ارزیابی مالی علیه ترجیحات سرمایه‌گذاران: تمرکز بر ماهیت لنگر انداختن در بازار سرمایه» انجام دادند. در واقع این مطالعه به صورت تجربی بررسی می‌کند که چگونه ویژگی‌های برآورد در افشای حساسیت و میزان تهدیدی که برای ترجیحات سرمایه‌گذاران ایجاد می‌شود می‌تواند بر قضاوت‌های ریسک سرمایه‌گذاران تأثیر داشته باشد. نتایج براساس تحلیل سناریو، سه سناریو را محتمل می‌داند، ابتدا پیش‌بینی می‌شود که تغییر در برآورد نه تنها بر قضاوت سرمایه‌گذاران در مورد یک موضوع مرتبط است، بلکه بر قضاوت‌های آینده آنها در مورد یک موضوع غیرمستقیم تأثیر می‌گذارد. سناریو دوم بیان می‌کند، سرمایه‌گذاران نسبت به تغییرات در برآورد حساس‌تر هستند، زیرا اطلاعات موجود در برآورد تهدید کمتری نسبت به نتیجه ترجیحی آنها نسبت به تهدیدهای بیشتر است. در نهایت مشخص می‌شود که سرمایه‌گذاران عدم اطمینان بیشتری راجع به ارتباط بین عامل ریسک افشاشده نسبت به زمانی که اطلاعات تهدید بیشتری دارند، درک می‌کنند.

رادرفورد (۲۰۲۳) مطالعه‌ای با عنوان «توسعه سبک پارانوئید در جامعه‌شناسی اصول گزارشگری مالی» انجام داد. این مطالعه از طریق شیوه تحلیل محتوا و با تمرکز بر نظریه

ریچارد هافستادتر جنبه‌هایی از خوانش محافظه کارانه افشاء اطلاعات، ادراک محتوای اطلاعاتی و توازن بازده مورد انتظار با بازده واقعی مدنظر قرار گرفت. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، جریان قابل توجهی در ادبیات در حال ساخت به سبک پارانوئید است. سبک‌شناسی پارانوئید، که به‌عنوان یک ابزار تشخیصی استفاده می‌شود، که امکان توسعه شناخت تحریفی در تصمیم‌گیرندگان مالی را توسعه می‌بخشد. ین و همکاران^{۳۷} (۲۰۲۳) مطالعه‌ای با عنوان «اثر علی بهبود خوانایی گزارشگری مالی بر ریسک سقوط قیمت سهام» انجام دادند. در این مطالعه از رویه ساده‌سازی استانداردها^{۳۸} (۲۰۱۰) به‌عنوان منبع برون‌زای تغییرات در گزارشگری مالی بهره‌برده شده است تا از این طریق، نتایج تخمین تفاوت در تفاوت‌ها^{۳۹} (DID) از طریق مقیاس بهبود خوانایی «10 - Ks» ریسک سقوط قیمت سهام را مورد ارزیابی قرار داد. نتایج نشان می‌دهد، تقویت خوانایی گزارشگری مالی از طریق ابزارهای نیمه تجربی، می‌تواند احتمال ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها را تا حدی زیادی کاهش دهد، چراکه درک متقابل بین شرکت با سهامداران از طریق ارائه گزارش‌های شفاف و با کیفیت می‌تواند به کاهش اثرات هیجانی و توده‌وار در بازار سرمایه منجر شود و این موضوع ریسک سقوط قیمت سهام را کاهش دهد. چن و همکاران (۲۰۲۴) مطالعه‌ای با عنوان «اثر لنگر انداختن، ارزش چشم‌انداز و بازده سهام» انجام دادند. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که سهام با ارزش بالقوه بالا در بازار سهام چین، تأثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری پدیده لنگر انداختن تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران دارد، چراکه تهییج بازار سرمایه جهت کسب بازده سهام بالاتر باعث می‌شود تا سطح تحلیل‌های تکنیکال و بنیادی کاهش یابد و این مسئله به در قالب علیت گرنجری، همانطور که با سرعت بالا رشد می‌کند، به یکباره با کاهش رشد مواجه می‌شود و این مسئله می‌تواند به افزایش ریسک سرمایه‌گذاری منجر گردد.

حنیفه‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «گزارشگری مالی و پدیده لنگر ذهنی سرمایه‌گذاران» انجام دادند. در این پژوهش براساس چهار مدل رگرسیون، چهار فرضیه برای ۱۱۶ شرکت بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی نه ساله (۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶) به تعداد ۱۰۵۲ مشاهده مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که سرمایه‌گذاران در تصمیمات مالی خود در مقایسه سود پیش‌بینی شده مدیریت و سود سال قبل دچار پدیده لنگر ذهنی شده و به سود سال قبل تکیه می‌کنند، ولی به سود پیش‌بینی شده صنعت در

ارزیابی و پیش‌بینی‌های خود تکیه نکرده و از آن لنگر ذهنی نمی‌سازند. همچنین در شرکت‌های با دقت بالا در سودهای پیش‌بینی شده لنگر ذهنی سرمایه‌گذاران تعدیل می‌شود، ولی لنگر ذهنی سرمایه‌گذاران در شرکت‌هایی که اطلاعات حسابداری با کیفیت دارند، تعدیل نمی‌شود.

جاودان‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر لنگر ذهنی بر تصمیمات سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران» انجام دادند. براساس نتایج این پژوهش، سرمایه‌گذاران هنگام تصمیم‌گیری بر مبنای سود پیش‌بینی شده مدیریت، با مقایسه این سود و متوسط سود پیش‌بینی شده صنعت، از پدیده لنگر ذهنی تبعیت می‌کنند ضمن اینکه سرمایه‌گذاران حقیقی نسبت به سرمایه‌گذاران نهادی بیشتر تحت تأثیر پدیده لنگر ذهنی قرار می‌گیرند. همچنین سرمایه‌گذاران با مقایسه سود پیش‌بینی شده مدیریت و متوسط سود سه سال گذشته شرکت تحت تأثیر پدیده لنگر ذهنی قرار نمی‌گیرند. به طور کلی می‌توان گفت سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران تحت تأثیر پدیده لنگر ذهنی قرار می‌گیرند. مرور پیشینه‌های تجربی حکایت از آن دارد، که ماهیت این مطالعه به دلیل نوظهور بودن تمرکز بر پدیده گزارشگری پارانویید و ترکیب آن با متغیر محرک‌های لنگر ذهنی سهامداران می‌تواند به توسعه دانش نظری در حسابداری و بازار سرمایه کمک نماید. زیرا هیچ پژوهشی در گذشته مشابه تمرکز این مطالعه بر رویکرد ترکیب داده‌های کیفی و کمی مبنی بر ارزیابی تأثیر کارکردهای گزارشگری پارانویید بر لنگر ذهنی سهامداران، عمل ننموده است و نتایج این مطالعه می‌تواند ضمن این که به جامعه علمی کمک می‌کند، به سیاست‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی کمک نماید تا شکاف نمایندگی شرکت‌ها را براساس هنجارسازی مسئولانه شرکت‌ها در افشای واقع‌بینانه اطلاعات، تاحد زیادی پوشش دهند.

روش‌شناسی

ماهیت این مطالعه، به لحاظ نوع نتیجه، توسعه‌ای/کاربردی تلقی می‌شود، چراکه هیچ چارچوب قابل اتکائی برای بسط معیارهای گزارشگری پارانویید به بستر شرکت‌های بازار سرمایه از طریق پژوهش‌های گذشته ارائه نشده است تا بتوان نسبت به بررسی آن اقدام شود و از طریق ترکیب با متغیر دیگر مطالعه، آزمون فرضیه پژوهش صورت گیرد. از سوی

دیگر به لحاظ نوع هدف می‌بایست این مطالعه را اکتشافی تلقی نمود، چراکه به دلیل نوظهور بودن پدیده‌ی مورد بررسی، تلاش می‌شود تا از طریق ابزار مصاحبه، نسبت به شناخت معیارهای مؤثر در بسط کارکردهای گزارشگری پارانوئید در بستر شرکت‌های بازار سرمایه اقدام شود. در نهایت به لحاظ نوع داده، می‌بایست این مطالعه را ترکیبی تلقی نمود، چراکه در بخش کیفی از طریق نظریه داده بنیاد و انجام مصاحبه ابتدا کارکردهای گزارشگری پارانوئید شناسایی می‌شود تا با تأیید پایایی معیارهای مدل براساس تحلیل دلفی، امکان تدوین پرسشنامه محقق ساخته وجود داشته باشد. از سویی دیگر نیز برای سنجش لنگرهای ذهنی سهامداران نیز جهت طی فرآیند آزمون فرضیه پژوهش از پرسشنامه استاندارد وانگ^{۴۰} (۲۰۲۳) استفاده می‌شود تا با ترکیب داده‌های پرسشنامه محقق ساخته گزارشگری پارانوئید با لنگرهای ذهنی سهامداران، از طریق تحلیل حداقل مربعات جزئی (PLS) فرضیه پژوهش مورد بررسی قرار گیرد.

جامعه آماری

براساس ماهیت ترکیبی این مطالعه، در بخش کیفی خبرگان حسابداری به عنوان مصاحبه شونده‌گان و مشارکت کنندگان برای شناسایی کارکردهای گزارشگری پارانوئید حضور داشتند. شیوه انتخاب مصاحبه شونده‌گان و مشارکت کنندگان به منظور تأمین مبنای خبرگی، از طریق پژوهش هنوود و پیدگن^{۴۱} (۱۹۹۲) بود. در این فرآیند لازم بود تا افرادی انتخاب شوند که از آگاهی و دانش شناختی لازم در راستای پدیده‌ی مورد بررسی برخوردار باشند. از آنجا که پدیده‌ی مورد بررسی، جزء مفاهیم نوظهور دانش حسابداری بود، می‌بایست خبرگانی از طریق نمونه‌گیری نظری انتخاب می‌شدند که با تشریح موضوع توسط مصاحبه کنندگان، ریشه‌های شناختی این پدیده را می‌توانستند، بسط دهند. برای این منظور معیارهایی همچون انجام پژوهش‌های مشابه و تدریس دروس مرتبط با ماهیت این مطالعه، مدنظر قرار گرفت. لذا از طریق یک انتخاب اولیه، تلاش شد تا مصاحبه شونده‌گان نهایی به لحاظ انگیزه‌ی مشارکت و ارائه‌ی مفاهیم نوظهور در این عرصه جهت دستیابی به مدل، انتخاب گردند. لذا براساس مبنای نقطه اشباع تئوریک، در نهایت ۱۴ نفر به عنوان مصاحبه شونده در این مطالعه مشارکت نمودند.

در بخش کمی از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده، مدیران و کارشناسان سازمان بورس اوراق بهادار، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و کارگزارهای فعال در بورس اوراق بهادار به

عنوان مشارکت کنندگان بودند. با توجه به این که آمار دقیقی از جامعه آماری وجود ندارد، لذا برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران با فرض جامعه آماری نامعلوم به صورت زیر استفاده می‌شود:

$$n = \frac{Z_{\alpha}^2 pq}{d^2}$$

در این فرمول

n = تعداد نمونه

Z_{α}^2 = مقدار نرمال استاندارد یعنی عدد ۱/۹۶

pq = نسبت صفت متغیر یعنی عدد ۰/۵

d^2 = احتمال خطای اندازه‌گیری برابر است با ۰/۰۵

با توجه به فرمول کوکران در جوامع نامحدود، تعداد تقریبی حجم نمونه ۳۸۴ نفر به دست آمد، اما برای افزایش روایی پژوهش، تعداد ۴۶۰ پرسشنامه به صورت تصادفی بین شرکت کنندگان توزیع شد و در نهایت، از این تعداد ۴۰۳ پرسشنامه برگشت داده شد که از این میزان، تعداد ۳۹۸ مورد از آن قابل تجزیه و تحلیل بود. براساس فرآیند توزیع پرسشنامه، نرخ بازگشت توزیع پرسشنامه‌های به ترتیب زیر ارائه می‌شود:

جدول ۱: توزیع و نرخ بازگشت پرسشنامه‌ها

حد اقل نمونه آماري	پرسشنامه توزیع شده	پرسشنامه دریافت شده	پرسشنامه قابل تجزیه و تحلیل	نرخ بازگشت (درصد)	نرخ قابلیت تحلیل
۳۸۴	۴۶۰	۴۰۳	۳۹۸	۸۷/۶۰ درصد	۹۸/۷۵ درصد

همانطور که مشخص است، از مجموع پرسشنامه‌های توزیع شده، ۸۷/۶۰ درصد برگشت شد که از این تعداد ۹۵/۷۵ درصد آن مورد تأیید برای انجام تحلیل حداقل مربعات جزئی بوده است.

متغیرهای پژوهش و ابزار اندازه‌گیری

باتوجه به ترکیبی بودن شیوه‌ی گردآوری داده‌ها و دو مبنایی بودن پدیده‌ی مورد بررسی در این مطالعه، جمع‌آوری داده‌ها در هر بخش به تفکیک تشریح می‌شود. شیوه جمع‌آوری داده‌های مطالعه/متغیر مستقل ← گزارشگری پارانئید: همانطور که در روش‌شناسی این مطالعه تشریح شده، به دلیل عدم وجود ابعاد منسجم و یکپارچه در خصوص

این پدیده، از نظریه داده بنیاد و انجام مصاحبه با خبرگان بهره برده می‌شود. در این فرآیند، از رویکرد نوحاسته یا ظاهرشونده گلنزر^{۴۲} (۱۹۹۲) در تحلیل نظریه داده بنیاد استفاده شد. به طوری که پس از انجام هر مصاحبه به ترتیب نسبت به کدگذاری باز؛ کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی اقدام گردید. در این رویکرد، نظریه از درون پدیده‌ی مورد بررسی ظهور می‌یابد و محققان از ابتدا پیش فرض‌های منسجمی در مورد مسئله مورد مصاحبه ندارند و صرفاً به واسطه ادبیات نظری گسسته، اقدام به انجام مصاحبه به صورت عمیق و نیمه‌عمیق برای رسیدن به نقطه‌ی اشباع تئوریک، می‌نمایند. نکته قابل توجه براساس راهبرد نظریه‌پردازی داده بنیاد ظاهرشونده، تحلیل داده‌ها براساس کدگذاری همزمان با انجام مصاحبه‌ها می‌باشد (کلایان مقدم و همکاران، ۱۳۹۹). لذا با درک این فرآیند در ادامه نحوه رسیدن به چارچوب نظری کارکردهای گزارشگری پارانوئید اقدام می‌شود.

در این فرآیند، پس از ظاهرشدن مضامین اولیه از کدگذاری باز، برای تفکیک مولفه‌ها در قالب مقوله‌های کلی، مصاحبه‌ها به صورت نیمه‌ساختاریافته و ساختاریافته، پیشرفت تا نحوه دستیابی به نقطه اشباع نظری مشخص گردد. لازم به توضیح است که در طول انجام مصاحبه، سوالات برحسب شرایط مصاحبه و رویکردهای خبرگان، به طور مداوم تعدیل می‌شد تا فرآیند کدگذاری داده‌ها از مسیر جریان اصلی پدیده‌ی مورد بررسی خارج نگردد. در این مسیر طبق پرتکل‌های مصاحبه، سوالات باز به صورت رفت و برگشتی از خبرگان پرسیده شد و با کدگذاری در پایان هر مصاحبه تلاش می‌شد تا در لایه اول دسته‌بندی، کدهای باز مشابه در یک مولفه قرار گیرند. سپس طی کدگذاری محوری، مولفه‌های مشابه به یک مقوله اختصاص یابند. حائز اهمیت است که در این فرآیند، زمان اتمام مصاحبه‌ها به شیوه علمی مورد توجه قرار گیرد. برای این منظور از فرآیند نقطه اشباع نظری می‌بایست بهره برده می‌شد، به این صورت که پس از هر مصاحبه، کدگذاری باز و تا حدی کدگذاری محوری انجام می‌گرفت تا با مشخص شدن مفاهیم و اشتراکات مفهومی، دسته‌بندی مولفه‌ها و مقوله‌ها در قالب یک چارچوب نظری، هویدا گردد. لذا با تلفیق روش‌های گردآوری داده به شکل مصاحبه‌های بدون ساختار و نیمه‌ساختار یافته، تلاش می‌شد تا یادداشت‌برداری نظری در حین مصاحبه و سریعاً پس از اتمام مصاحبه صورت گیرد تا مضامین قابل استنادتری به دلیل آمادگی ذهنی مصاحبه‌کنندگان از جلسه برگزار شده، بدست آید و از سوگیری‌های احتمالی در کدگذاری جلوگیری شود. با ارائه

این توضیح‌ها، طی ۱۴ مصاحبه‌ی انجام شده، دسته‌بندی کدها مشخص شدند و مبنای رسیدن به نقطه اشباع تئوریک به دلیل عمق مصاحبه‌ها، به طور تقریبی از مصاحبه نهم، ظهور یافتند. پس از این مصاحبه، تمرکز مطالعه بر روی دستیابی به توازن کدها از طریق مصاحبه نیمه‌عمیق، ادامه یافت تا در مصاحبه چهاردهم، مشخص گردید مفهوم جدید و متفاوتی نسبت به مفاهیم قبلی اضافه نمی‌شود و در این نقطه، اتمام مصاحبه‌ها و شروع فرآیند کدگذاری محوری و انتخابی تلقی گردید. در نهایت نیز با مشخص شدن کارکردهای گزارشگری پارانوئید از طریق تحلیل دلفی اقدام به سنجش پایایی ابعاد شناسایی شده در بخش کیفی می‌شود. لذا با انجام این مرحله تعداد سوالات پرسشنامه محقق ساخته تعیین می‌شود. این پرسشنامه شامل ۶ سوال می‌باشد که از طریق مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای از کاملاً موافقم (۵) تا کاملاً مخالفم (۱) سه خرده مقیاس کارکردهای عملکرد مالی؛ کارکردهای عملکرد حاکمیتی و کارکردهای عملکرد اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

شیوه جمع‌آوری داده‌های مطالعه/متغیر وابسته ← لنگرهای ذهنی سهامداران: به منظور سنجش لنگرهای ذهنی سهامداران همان‌طور که پیش‌تر توضیح داده شد، از پرسشنامه استاندارد وانگ (۲۰۲۳) استفاده می‌شود. طبق این پرسشنامه، محرک‌های لنگرهای ذهنی سهامداران براساس یک پرسشنامه ۹ سوال و مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای از کاملاً موافقم (۵) تا کاملاً مخالفم (۱) مورد بررسی قرار گرفت. این پرسشنامه شامل ۳ خرده مقیاس می‌باشد که به ترتیب زیر ارائه می‌شوند:

محرک‌های شناختی: این خرده مقیاس، لنگرهای ذهنی سهامداران را براساس شناخت اولیه شکل گرفته از تغییرات در بازار سرمایه تفسیر می‌نماید و به این مسئله می‌پردازد که تا چه اندازه سطح شناخت گذشته سهامداران، لنگرهای ذهنی را در تصمیم‌گیری‌های فردی ایجاد می‌کند که الزاماً از سطح تحلیل واقع‌گرایانه‌ای مبتنی بر شرایط بازار برخوردار نیست و صرفاً فاکتورهایی از شناخت فردی را در بر می‌گیرد تا به اتخاذ تصمیم‌هایی منجر شود که زیان ناشی از سرمایه‌گذاری برای آن‌ها در بر نداشته باشد. لذا با کوچکترین نوسانی در بازار، به واسطه شناخت‌های اولیه‌ی شکل گرفته در ورود به بازار سرمایه، اقدام به تصمیم‌گیری می‌نمایند.

جدول ۲: سوال‌های خرده مقیاس محرک‌های شناختی

ردیف	شرح سوال	مقیاس لیکرت				
		۱	۲	۳	۴	۵
۱	تاچه اندازه شناخت مبتنی بر نوسانات بصری شاخص‌های بازار سرمایه، به ایجاد یک لنگر ذهنی در تصمیم‌گیری سهامداران منجر می‌شود؟	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۲	تاچه اندازه شناخت مبتنی بر گزینش‌گرایی محاسباتی به ایجاد یک لنگر ذهنی در تصمیم‌گیری سهامداران منجر می‌شود؟	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۳	تاچه اندازه شناخت ناشی از همپوشانی‌گرایی به ایجاد یک لنگر ذهنی در تصمیم‌گیری سهامداران منجر می‌شود؟	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

سوالات مطرح شده در این خرده مقیاس، سطحی از شناخت ادراکی فرد در مواجهه با موقعیت‌های تصمیم‌گیری سهامداران را نشان می‌دهد که باعث می‌گردد تا به دور از تحلیل‌های منطقی و عقلانی، اقدام به اتخاذ تصمیم‌های هیجانی نمایند.

محرک‌های رفتاری: این خرده مقیاس، لنگرهای ذهنی سهامداران را براساس سوگیری‌های رفتاری در برآورده بازده مورد انتظار از سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه مورد بررسی قرار می‌دهد. لذا ویژگی‌های فردی از نظر خصایصی همچون کوتاه‌نگری؛ بیش‌اطمینانی و محافظه‌کاری می‌تواند محرک‌های رفتاری در شکل‌گیری لنگر ذهنی سهامداران تلقی شود.

جدول ۳: سوال‌های خرده مقیاس محرک‌های رفتاری

ردیف	شرح سوال	مقیاس لیکرت				
		۱	۲	۳	۴	۵
۴	تاچه اندازه اختلال بیش‌اطمینانی به برآوردهای فردی، به ایجاد یک لنگر ذهنی در تصمیم‌گیری سهامداران منجر می‌شود؟	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۵	تاچه اندازه اختلال کوتاه‌نگری در کسب بازده‌های مورد انتظار، به ایجاد یک لنگر ذهنی در	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

تصمیم‌گیری سهامداران منجر می‌شود؟

تاچه اندازه اختلال محافظه‌کاری در سرمایه‌گذاری،

- ۶ به ایجاد یک لنگر ذهنی در تصمیم‌گیری سهامداران منجر می‌شود؟

سوالات این خرده‌مقیاس نیز، جنبه‌های بروز اختلال فردی در تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر لنگرهای ذهنی در بازار سرمایه را در بر می‌گیرد که باعث می‌شود تا فرد به دور از واقعیت‌های تحلیلی، اقدام به تصمیم‌گیری هیجانی نماید.

محرك‌های ساختاری: آخرین خرده‌مقیاس مرتبط با لنگرهای ذهنی سهامداران، به محرك‌های خارج از ویژگی‌های رفتاری و شناخت فردی اشاره دارد که معمولاً ویژگی‌های ناکارآمدی بازار؛ ترویج شایعه و عدم شفافیت‌های ساختاری بازار را در بر می‌گیرد که می‌تواند زمینه برای اتخاذ تصمیم‌های نابهنجار را به وجود بیاورد.

جدول ۴: سوال‌های خرده‌مقیاس‌های ساختاری

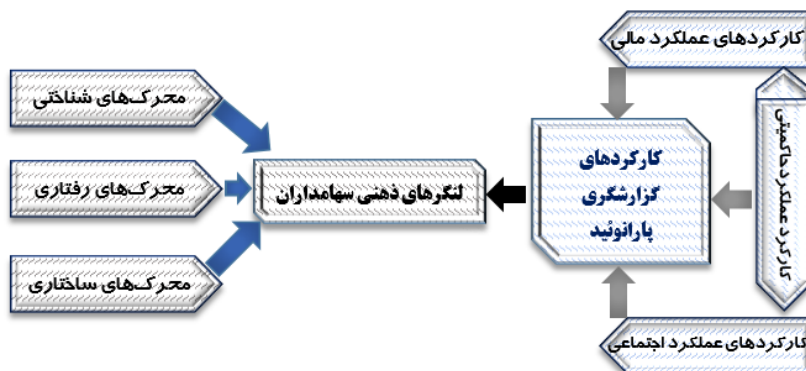
ردیف	شرح سوال	مقیاس لیکرت				
		۱	۲	۳	۴	۵
۷	تاچه اندازه ناکارآمدهای بازار سرمایه در نظارت بر عملکرد شرکت‌ها، به ایجاد یک لنگر ذهنی در تصمیم‌گیری سهامداران منجر می‌شود؟	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۸	تاچه اندازه فراگیری ترویج شایعه در بازار سرمایه، به ایجاد یک لنگر ذهنی در تصمیم‌گیری سهامداران منجر می‌شود؟	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۹	تاچه اندازه فراگیری عدم شفافیت‌های ساختاری در بازار سرمایه، به ایجاد یک لنگر ذهنی در تصمیم‌گیری سهامداران منجر می‌شود؟	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

همانطور که مشاهده می‌شود، محرك‌های مربوط به این بعد از سنجش لنگرهای ذهنی سهامداران، جنبه‌های بیرونی ویژگی‌های فردی را در بر می‌گیرد که تحت تأثیر محورهای بیرونی می‌تواند ضمن سوگیری‌های فراگیر در تصمیم‌گیری، لنگرهای ذهنی قوی را در تصمیم‌های سهامداران ایجاد نماید.

در واقع این پرسشنامه براساس سه بُعد خود، در قالب ۹ سوال که روایی آن توسط متخصصان

تأیید شده است، مورد سنجش قرار گرفت. پایایی این پرسشنامه برابر با ۰/۷۶ تعیین گردیده است که در پژوهش وانگ (۲۰۲۳) نیز مورد تأیید قرار گرفت. براساس تعاریف عملیاتی متغیرهای پژوهش، جهت انجام آزمون فرضیه پژوهش از چارچوب نظری زیر استفاده شد.

شکل ۱: چارچوب آزمون فرضیه پژوهش



همانطور که مشاهده می‌شود، متغیرهای پژوهش براساس تأثیر متغیر مستقل بر وابسته در این مطالعه از طریق فرآیند تحلیل حداقل مربعات جزئی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پایایی و روایی پرسشنامه

باتوجه به این که متغیر گزارشگری پارانوئید ابتدا از طریق تحلیل نظریه داده بنیاد می‌بایست ابعادش مورد شناسایی قرار می‌گرفت، جهت سنجش روایی این متغیر از روش مثلث‌سازی استفاده شد. لذا طبق ۴ معیار زیر نتیجه روایی ابعاد شناسایی شده گزارشگری پارانوئید به ترتیب زیر ارائه شده است:

بازگشت اعتباری: در این معیار، با ۵ نفر از مجموع ۱۴ مصاحبه‌شونده پس از اتمام مصاحبه و تجزیه و تحلیل داده‌ها، در مورد مطابقت دیدگاه‌های‌شان با مصاحبه‌کنندگان، مکاتبه شد تا معیارهای شناسایی شده را از منظر اعتبار مجموع متناسب محتوایی با پدیده مورد بررسی مورد تطبیق قرار دهند. نتیجه نشان داد، در بیشتر کدهای مفهومی ایجاد شده، محققان این پژوهش توانسته بودند درک صحیحی از اظهارات مصاحبه‌شوندگان داشته باشند که این امر می‌تواند ناشی از تعامل مطلوب و درک نظری مصاحبه‌شوندگان و مصاحبه‌کننده درباره موضوع پژوهش تلقی گردد.

جستجو برای شواهد مغایر: برای دستیابی به این معیار، چند متخصص که در زمینه پژوهش کیفی و نظریه داده بنیاد تخصص داشتند، بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی، استخراج مقولات و برداشت‌های پژوهشگران نظارت داشته‌اند. از این افراد خواسته شد که برداشت خود را از مصاحبه‌ها و مفاهیم و در مرحله بعدی، مقوله بیان کنند. این برداشت‌ها بانظر پژوهشگران مطابقت داده شد. نزدیکی برداشت این افراد به برداشت پژوهشگران پشتوانه علمی تحقیق را محکم‌تر ساخت.

توضیح شیوه یادداشت‌برداری: در این مرحله پروتکل و فرآیند انجام مصاحبه‌ها در اختیار ۵ نفر از مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت تا تأیید نمایند، آیا نحوه تحلیل درست طی شده است یا خیر، که مرور یادداشت‌ها نشان داد، روند پژوهش و تحلیل کدها در مسیر درستی پیشرفته است. تهیه گزارش مفصل نتایج: برای حاصل شدن این معیار در پژوهش حاضر، مصاحبه‌ها ضبط و تایپ گردیده، فهرست مصاحبه‌شوندگان تهیه شده و کلیه فرآیند تحلیل داده‌ها تایپ و در رایانه و فلش مموری ذخیره شده است.

سپس به منظور تأیید پایایی معیارهای شناسایی شده مبنی بر امکان تعمیم آن به بستر مطالعه از تحلیل دلفی بهره برده شد، تا همانطور که نتایج این تحلیل در جدول ۷ مشخص نموده است، نسبت تأیید حد اجماع نظری خبرگان اقدام لازم صورت گیرد و پایایی ابعاد مورد تأیید قرار داده شود. لذا با ایجاد پرسشنامه محقق ساخته متغیر گزارشگری پارانوئید طبق جدول ۸ امکان سنجش این متغیر براساس روایی و پایایی مورد تأیید قرار گرفت. به منظور تعیین روایی و پایایی متغیر مستقل این مطالعه یعنی لنگرهای ذهنی سهامداران که از پرسشنامه استاندارد استفاده شد، نیز ابتدا نظر متخصصان مبنی بر تناسب محتوایی خرده مقیاس‌های سنجش این متغیر و سوالات پرسشنامه بررسی شد، که با بازنگری جزئی برخی از سوالات باهدف درک بهتر مشارکت کنندگان، امکان توزیع پرسشنامه مهیا گردید. همچنین پایایی پرسشنامه لنگرهای ذهنی سهامداران برابر با ۰/۷۶ تعیین گردیده است که در پژوهش وانگ (۲۰۲۳) نیز مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌ها

در این مطالعه براساس ماهیت تحلیل‌های مورد استفاده جهت جمع‌آوری داده‌ها، به تفکیک نسبت به ارائه یافته‌های پژوهش اقدام شد. لذا ابتدا لازم است تا اطلاعات جمعیت شناختی مطالعه ارائه گردد. باتوجه به تشریح فرآیند انتخاب نمونه، طبق جدول ۵ اطلاعات

جمعیت شناختی ارائه می‌شود.

جدول ۵: اطلاعات جمعیت شناختی پژوهش (منبع: یافته‌های پژوهش)

متغیر	بخش کیفی			بخش کمی		
	معیارها	تعداد	درصد	معیارها	تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۱۰	٪ ۷۱/۴۲	مرد	۳۲۳	٪ ۷۶/۵۳
	زن	۴	٪ ۲۸/۵۸	زن	۷۵	٪ ۲۳/۴۷
	جمع	۱۴	۱۰۰٪	جمع	۳۹۸	۱۰۰٪
سن	کمتر از ۴۰ سال	۲	٪ ۱۴/۲۸	کمتر از ۴۰ سال	۲۵	٪ ۶/۲۸
	بین ۴۰ تا ۵۰ سال	۹	٪ ۶۴/۳۰	بین ۴۰ تا ۵۰ سال	۲۸۳	٪ ۷۱/۱۱
	بیشتر از ۵۰ سال	۳	٪ ۲۱/۴۲	بیشتر از ۵۰ سال	۹۰	٪ ۲۲/۶۱
	جمع	۱۴	۱۰۰٪	جمع	۳۹۸	۱۰۰٪
سابقه کاری	زیر ۱۰ سال	۵	٪ ۳۵/۷۰	کمتر از ۲۰ سال	۳۰۵	٪ ۷۶/۶۳
	بیشتر از ۱۰ سال	۹	٪ ۶۴/۳۰	بیشتر از ۲۰ سال	۸۷	٪ ۲۳/۳۷
	جمع	۱۴	۱۰۰٪	جمع	۳۹۸	۱۰۰٪

همانطور که مشاهده می‌شود براساس سه معیار جنسیت، سن و سابقه کاری اقدام به تفکیک مشارکت کنندگان بخش کیفی با بخش کمی گردید، چراکه فرآیند جمع‌آوری داده‌های مطالعه ترکیبی بود. همانطور که مشخص شده است، در بخش کیفی ۱۴ نفر از خبرگان و در بخش کمی نیز ۳۹۸ نفر از مدیران و کارشناسان سازمان بورس اوراق بهادار، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و کارگزارهای فعال در بورس اوراق بهادار مشارکت نمودند. به طوری که در بخش کیفی از نظر جنسیت، ۱۰ نفر از مشارکت‌کنندگان مرد و ۴ نفر زن بودند. به لحاظ سن نیز، ۲ نفر کمتر از ۴۰ سال؛ ۹ نفر بین ۴۰ تا ۵۰ سال و ۳ نفر بیشتر از ۵۰ سال در این مطالعه مشارکت نمودند. به لحاظ معیار سابقه کاری نیز ۵ نفر زیر ۱۰ سال و ۹ نفر از خبرگان بیشتر از ۱۰ سال سابقه‌ی کاری داشتند. در بخش کمی نیز مجموع معیارهای ارائه شده برای معرفی جمعیت شناختی، براساس فاکتورهای مورد ارزیابی در پرسشنامه توزیع شده در بین مشارکت کنندگان مبنای تفکیک نمونه‌ی انتخاب شده تلقی گردید.

در ادامه و باهدف تفکیک یافته‌های بخش کیفی از بخش کمی، اقدام به ارائه فرآیندهای تحلیلی می‌شود. برحسب ماهیت مطالعه، ابتدا از تحلیل نظریه داده بنیاد برای شناسایی کارکردهای گزارشگری پارانوئید بهره می‌شود. بدین منظور طی سه مرحله کدگذاری باز؛ کدگذاری انتخابی و کدگذاری محوری تلاش شد تا ابعاد پدیده مورد بررسی براساس یک

چارچوب نظری، شناسایی شود. لذا براساس مصاحبه‌های انجام شده، جدول ۶ که نشان دهنده فرآیند سه مرحله‌ای کدگذاری می‌باشد، به ترتیب زیر ارائه می‌شود:

جدول ۶: شناسایی کارکردهای گزارشگری پارانوئید

کد	کدگذاری‌های اصلی		
	کدگذاری	کدگذاری	
تئوری	انتخابی	محوری	
طبقه‌بندی	مقوله‌ها	مولفه‌های اصلی	
اصلی			
کارکردهای گزارشگری پارانوئید		افشای جزئیات ریسک اطلاعاتی	
		افشای جزئیات ریسک کیفیت محصولات	
		افشای جزئیات ریسک نوسانات مؤثر نرخ ارز	
		افشای جزئیات ریسک قیمت نهادهای تولید	
		افشای جزئیات ریسک کاهش قیمت محصولات	
		افشای جزئیات ریسک تبادلات تجاری	
		افشای جزئیات ریسک نقدینگی	
	کارکردهای عملکرد مالی		افشای سرمایه‌گذاری پژوهش و توسعه تولید
			افشای سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و تجهیزات
		افشای امتیازات تجاری	
		زمینه‌های	افشای ارزش‌گذاری حقوقی ضمانت‌نامه‌های تعهدی
		دارایی‌های نامشهود	افشای قراردادهای مشارکت و کنسرسیوم‌های استراتژیک
			افشای هزینه‌های آموزش سرمایه‌های انسانی
			افشای میزان پاداش مدیران عالی شرکت
	کارکردهای عملکرد حاکمیتی		افشای میزان پاداش اعضای هیئت‌مدیره
	زمینه‌های اختصاصی	افشای میزان درصد مالکیتی مدیران از سهام شرکت	
	پاداش و مزایا	افشای میزان درصد مالکیتی اعضای هیئت‌مدیره از سهام شرکت	
		افشای میزان درصد سهم اجرای پروژه‌ها (طرح‌های	

	عملکردی) به مدیران
	افشاء میزان اضافات پرداخت به اعضای هیئت مدیره
	افشاء میزان حق اختیار سهام مدیران و اعضای هیئت مدیره
	افشاء تعداد اعضای کنترل داخلی
	افشاء سطح تخصص اعضای کنترل داخلی
	افشاء گذراندن دوره‌های استاندارد کنترل داخلی شرکت
افشاء	افشاء نتایج دوره‌ای ارزیابی نهادی ذیصلاح از کنترل داخلی شرکت
زمینه‌های	افشاء اقدامات اصلاحی از جانب نهادهای بالادستی
عملکرد	در کنترل داخلی شرکت
کنترل داخلی	افشاء نقاط ضعف کنترل داخلی شرکت
	افشاء نظرات حسابرسان مستقل در خصوص ریسک‌های کنترل داخلی شرکت
	افشاء میزان کمک‌های مرتبط با امور خیریه
	افشاء میزان آلاینده‌گی‌های زیست‌محیطی
افشاء	افشاء میزان کربن
جنبه‌های	افشاء میزان بازیافت ضایعات
اختیاری	افشاء میزان استهلاك ماشین‌آلات و تجهیزات
کارکردهای	افشاء میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای
عملکرد	افشاء تعدد پرونده‌های حقوقی شرکت
اجتماعی	افشاء اعاده دادرسی علیه شرکت
	افشاء پرونده‌های مالیاتی
افشاء رعایت	افشاء گزارش‌های بازرسی قانونی
حقوق	افشاء موارد کلیدی گزارش حسابرسان مستقل
ذینفعان	افشاء موارد مرتبط با تجدید ارائه صورت‌های مالی

در ادامه باهدف سنجش پایایی ابعاد زمینه‌ای شناسایی شده مبنی بر ساخت پرسشنامه برای سنجش متغیر کارکردهای گزارشگری پارانوئید از فرآیند تحلیل دلفی بهره برده شد که نتایج آن در جدول ۷ ارائه شده است.

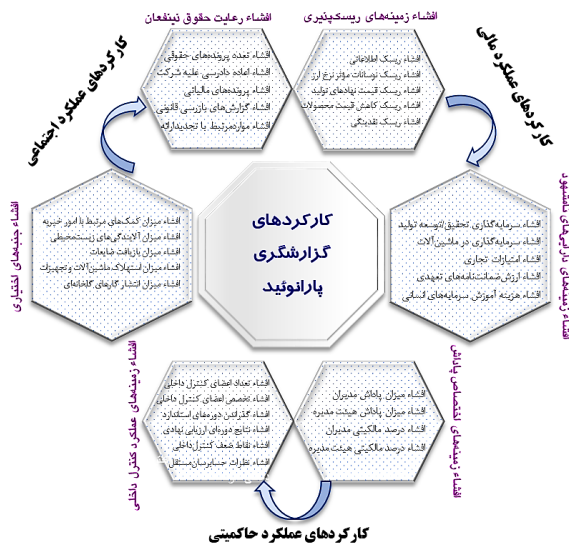
جدول ۷: فرآیند تحلیل دلفی

نتیجه	دور دوم دلفی		دور اول دلفی		مضامین	موفقه‌ها
	ضریب توافق	میانگین	ضریب توافق	میانگین		
تأیید	۰/۸۵	۶/۳۰	۰/۸۲	۶/۱۰	افشای جزئیات ریسک اطلاعاتی	افشای زمینه‌های ریسک‌پذیری
		حذف	۰/۴۰	۴	افشای جزئیات ریسک کیفیت محصولات	
تأیید	۰/۷۰	۵/۵۰	۰/۶۵	۵/۲۵	افشای جزئیات ریسک نوسانات مؤثر نرخ ارز	
تأیید	۰/۶۲	۵/۲۰	۰/۶۰	۵	افشای جزئیات ریسک قیمت نهادهای تولید	
تأیید	۰/۸۰	۶/۱۰	۰/۷۰	۵/۵۰	افشای جزئیات ریسک کاهش قیمت محصولات	
		حذف	۰/۳۵	۳/۵۰	افشای جزئیات ریسک تبادلات تجاری	
تأیید	۰/۶۸	۵/۴۵	۰/۶۲	۵/۲۰	افشای جزئیات ریسک نقدینگی	افشای زمینه‌های دارایی‌های نامشهود
تأیید	۰/۶۸	۵/۴۵	۰/۶۲	۵/۲۰	افشای سرمایه‌گذاری پژوهش و توسعه و توسعه تولید	
تأیید	۰/۸۵	۶/۳۰	۰/۸۰	۶/۱۰	افشای سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و تجهیزات	
تأیید	۰/۸۴	۶/۲۰	۰/۸۰	۶/۱۰	افشای امتیازات تجاری	
تأیید	۰/۷۰	۵/۵۰	۰/۶۵	۵/۳۰	افشای ارزش‌گذاری حقوقی ضمانت‌نامه‌های تعهدی	
		حذف	۰/۲۰	۲/۱۰۰	افشای قراردادادهای مشارکت و کنسرسیوم‌های استراتژیک	
تأیید	۰/۶۸	۵/۴۵	۰/۶۲	۵/۲۰	افشای هزینه‌های آموزش سرمایه‌های انسانی	افشای زمینه‌های اختصاص پاداش
تأیید	۰/۸۲	۶/۱۰	۰/۷۰	۵/۵۰	افشای میزان پاداش مدیران عالی شرکت	
تأیید	۰/۸۴	۶/۲۰	۰/۸۰	۶/۱۰	افشای میزان پاداش اعضای هیئت‌مدیره	
تأیید	۰/۸۰	۶/۱۰	۰/۷۰	۵/۵۰	افشای میزان درصد مالکیتی مدیران از سهام شرکت	
تأیید	۰/۷۰	۵/۵۰	۰/۶۲	۵/۲۰	افشای میزان درصد مالکیتی اعضای هیئت‌مدیره	
		حذف	۰/۳۵	۳/۵۰	افشای میزان درصد سهم اجرا پروژه‌ها به مدیران	
		حذف	۰/۲۰	۲	افشای میزان اضافات پرداخت به اعضای هیئت‌مدیره	
تأیید	۰/۶۸	۵/۴۵	۰/۶۵	۵/۳۰	افشای میزان حق اختیار سهام مدیران و اعضای هیئت‌مدیره	افشای زمینه‌های کنترل داخلی
تأیید	۰/۸۲	۶/۱۰	۰/۷۰	۵/۵۰	افشای تعداد اعضای کنترل داخلی	
تأیید	۰/۷۰	۵/۵۰	۰/۶۵	۵/۳۰	افشای سطح تخصص اعضای کنترل داخلی	
تأیید	۰/۸۴	۶/۲۰	۰/۸۰	۶/۱۰	افشای گذراندن دوره‌های استاندارد کنترل داخلی شرکت	
تأیید	۰/۶۸	۵/۴۵	۰/۶۲	۵/۲۰	افشای نتایج دوره‌ای ارزیابی نهادی ذیصلاح از کنترل داخلی	
		حذف	۰/۲۰	۲/۱۰۰	افشای اقدامات اصلاحی نهادهای بالادستی در کنترل داخلی	
تأیید	۰/۸۵	۶/۳۰	۰/۸۲	۶/۱۰	افشای نقاط ضعف کنترل داخلی شرکت	افشای زمینه‌های کنترل داخلی
تأیید	۰/۸۲	۶/۱۰	۰/۸۰	۶/۱۰	افشای نظرات حسابرسان مستقل ریسک‌های کنترل داخلی	

افشای جنبه‌های اجتناب‌ناپذیر	افشای میزان کمک‌های مرتبط با امور خیریه	۵/۱۵	۰/۵۸	۵/۳۵	۰/۶۸	تأیید
	افشای میزان آلاینده‌گی‌های زیست‌محیطی	۵/۲۰	۰/۶۲	۵/۳۰	۰/۶۵	تأیید
	افشای میزان کربن	۳/۵۰	۰/۳۵	حذف		
	افشای میزان بازیافت ضایعات	۶/۰۰	۰/۸۰	۶/۲۰	۰/۸۴	تأیید
	افشای میزان استهلاک ماشین‌آلات و تجهیزات	۶/۱۰	۰/۸۲	۶/۲۰	۰/۸۴	تأیید
افشای رعایت حقوق ذینفعان	افشای میزان انتشار گارهای گلخانه‌ای	۵/۲۰	۰/۶۲	۵/۳۰	۰/۶۵	تأیید
	افشای تعدد پرونده‌های حقوقی شرکت	۶/۰۰	۰/۸۰	۶/۲۰	۰/۸۴	تأیید
	افشای اعاده دادرسی علیه شرکت	۵/۲۰	۰/۶۲	۵/۳۰	۰/۶۵	تأیید
	افشای پرونده‌های مالیاتی	۵/۲۰	۰/۶۲	۵/۳۵	۰/۶۸	تأیید
	افشای گزارش‌های بازرسی قانونی	۶/۰۰	۰/۸۰	۶/۲۰	۰/۸۴	تأیید
	افشای موارد کلیدی گزارش حسابرسان مستقل	۴	۰/۴۰	حذف		
	افشای موارد مرتبط با تجدید ارائه صورت‌های مالی	۵/۳۰	۰/۶۵	۵/۳۵	۰/۶۸	تأیید

نتایج دو راند انجام تحلیل دلفی، نشان دهنده این موضوع است که از مجموع ۳۹ مضمون برآمده از مرحله تحلیل گرند تئوری، ۸ مضمون مفهومی به دلیل اینکه میانگینی کمتر از ۵/۰۰ و ضریب توافقی کمتر از ۰/۵۰ داشتند، حذف شدند. لذا با تأیید پایایی مابقی معیارهای شناسایی شده، چارچوب کارکردهای گزارشگری پارانوئید به ترتیب شکل ۲ قابل ارائه می‌باشد.

شکل ۲. چارچوب کارکردهای گزارشگری پارانوئید



طبق فرآیند نهایی کد گذاری‌ها، جدول ۸ نشان دهنده تفکیک مضامین؛ مولفه‌ها و مقوله‌های پژوهش از منظر توزیع فراوانی می‌باشد.

جدول ۸: تفکیک کدهای مصاحبه از نظر ابعاد ارائه شده در چارچوب نظری

مجموع سطری	توزیع فراوانی	کدهای مفهومی	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
۷۹	٪۱۴,۰۰۷	۳۶	۷	افشاء زمینه‌های ریسک‌پذیری	کارکردهای عملکرد مالی
	٪۱۶,۷۳۱	۴۳	۶	افشاء زمینه‌های دارایی‌های نامشهود	
۹۴	٪۱۹,۰۶۶	۴۹	۷	افشاء زمینه‌های اختصاص پاداش و مزایا	کارکردهای عملکرد حاکمیتی
	٪۱۷,۵۰۹	۴۵	۷	افشاء زمینه‌های عملکرد کنترل داخلی	
۸۴	٪۱۶,۷۳۱	۴۳	۶	افشاء جنبه‌های اختیاری	کارکردهای عملکرد اجتماعی
	٪۱۵,۹۶۵	۴۱	۶	افشاء رعایت حقوق ذینفعان	
	٪۱۰۰	۲۵۷	۳۹	شش مولفه شناسایی شده	مجموع ستونی

همانطور که مشاهده می‌شود، از مجموع ۲۵۷ کد باز اولیه، تعداد ۳۹ مضمون مفهومی، ۶ مولفه محوری و ۳ مقوله جهت شناسایی ابعاد گزارشگری پارانوئید شناسایی شدند که بالاترین توزیع فراوانی کدهای باز ایجاد شده مرتبط با افشاء زمینه‌های اختصاص پاداش و مزایا به عنوان مولفه‌ی کارکردهای عملکرد حاکمیتی می‌باشد. لذا با تعیین چارچوب نظری کارکردهای گزارشگری پارانوئید می‌بایست نسبت تهیه پرسشنامه محقق ساخته براساس، مقوله‌های شناسایی شده به ترتیب زیر اقدام نمود:

جدول ۹: پرسشنامه محقق ساخته کارکردهای گزارشگری پارانوئید

مقوله‌ها	شماره سوال	شرح سوال	مقیاس لیکرت				
			۱	۲	۳	۴	۵
کارکردهای عملکرد مالی	۱	آیا افشای جنبه‌های ریسک‌پذیری شرکت به صورت جزئی‌تر می‌تواند به ارتقای سطح شناخت تصمیم‌گیرندگان مالی کمک نماید؟	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
	۲	آیا افشاء جنبه‌های مختلف دارایی‌های نامشهود به طور فراگیرتری می‌تواند سطح	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

مقوله‌ها	شماره سوال	شرح سوال	مقیاس لیکرت				
			۱	۲	۳	۴	۵
		شناخت عملگرایانه‌ی تصمیم‌گیرندگان مالی را ارتقاء بخشد؟					
کارکردهای عملکرد حاکمیتی	۳	تاچه اندازه افشاء زمینه‌های اختصاص پاداش و مزایا به مدیران و اعضای هیئت‌مدیره می‌تواند در اتخاذ تصمیم‌های واقع‌گرایانه‌ی استفاده‌کنندگان از اطلاعات مؤثر باشد؟	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
	۴	تاچه اندازه افشاء زمینه‌های عملکرد کنترل داخلی می‌تواند در اتخاذ تصمیم‌های واقع‌گرایانه‌ی استفاده‌کنندگان از اطلاعات مؤثر باشد؟	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
کارکردهای عملکرد اجتماعی	۵	تاچه اندازه افشاء جنبه‌های اختیاری عملکرد شرکت می‌تواند در اتخاذ تصمیم‌های واقع‌گرایانه‌ی استفاده‌کنندگان از اطلاعات مؤثر باشد؟	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
	۶	تاچه اندازه افشاء رعایت حقوق ذینفعان می‌تواند در اتخاذ تصمیم‌های واقع‌گرایانه‌ی استفاده‌کنندگان از اطلاعات مؤثر باشد؟	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

براساس این پرسشنامه محقق ساخته کارکردهای گزارشگری پارانوئید و پرسشنامه استاندارد لنگرهای ذهنی سهامداران، در ادامه فرآیند مطالعه وارد تحلیل حداقل مربعات جزئی می‌شود تا آزمون فرضیه پژوهش انجام گردد. این روش، برای ارزیابی مدل در هر دو بخش مدل‌های اندازه‌گیری و مدل‌های ساختاری کاربرد دارد. مدل ساختاری به بررسی روابط

درونی میان متغیرها می‌پردازد، در حالی که مدل اندازه‌گیری، رابطه میان ابعاد و گویه‌ها را بررسی می‌کند. در برازش مدل‌های اندازه‌گیری از سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده شد. به منظور بررسی پایایی مدل اندازه‌گیری پژوهش، از ضرایب بارهای عاملی، ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده می‌گردد.

جدول ۱۰: ضرایب بارهای عاملی

عامل	اختصار	سوالات	بارعاملی	عامل	اختصار	سوالات	بارعاملی
کارکردهای گزارشگری پارانوئید	PRF	FPP	۰/۷۳۷	محرك‌های	COS	۰/۸۹۸	
		GPF	۰/۷۳۴	لنگر ذهنی	BES	۰/۸۲۸	SMA
		SPF	۰/۷۷۹	سهامداران	STS	۰/۸۵۸	
کارکردهای عملکرد مالی	FPF	FPP1	۰/۹۰۹	محرك‌های شناختی	COS1	۰/۸۵۸	
		FPP2	۰/۹۲۵		COS2	۰/۹۴۱	COS
					COS3	۰/۹۳۶	
کارکردهای عملکرد حاکمیتی	GPF	GPF3	۰/۸۸۶	محرك‌های رفتاری	BES4	۰/۹۳۷	
		GPF4	۰/۸۸۹		BES5	۰/۹۵۷	BES
					BES6	۰/۹۴۱	
کارکردهای عملکرد اجتماعی	SPF	SPF5	۰/۹۱۶	محرك‌های ساختاری	STS7	۰/۹۲۲	
		SPF6	۰/۸۹۶		STS8	۰/۹۳۸	STS
					STS9	۰/۸۹۲	

مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی، ۰/۴ می‌باشد. مطابق با جدول ۹، تمام اعداد ضرایب بارهای عاملی سوالات از ۰/۴ بیشتر است که نشان از مناسب بودن این معیار دارد. مطابق با الگوریتم تحلیل داده‌ها در PLS، بعد از سنجش بارهای عاملی سوالات، نوبت به محاسبه و گزارش ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی می‌رسد، که نتایج آن در جدول ۱۱، آمده است.

جدول ۱۱: نتایج معیار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرهای پنهان

متغیرهای مکنون	اختصار	ضریب آلفای کرونباخ (Alpha>0.7)	ضریب پایایی ترکیبی (CR>0.7)
کارکردهای گزارشگری پارانوئید	PRF	۰/۷۱۱	۰/۷۹۴
کارکردهای عملکرد مالی	FPF	۰/۸۱۱	۰/۹۱۳
کارکردهای عملکرد حاکمیتی	GPF	۰/۷۳۰	۰/۸۸۱
کارکردهای عملکرد اجتماعی	SPF	۰/۷۸۲	۰/۹۰۱
محرك‌های لنگر ذهنی سهامداران	SMA	۰/۸۲۶	۰/۸۹۶
محرك‌های شناختی	COS	۰/۸۹۹	۰/۹۳۷
محرك‌های رفتاری	BES	۰/۹۴۰	۰/۹۶۲
محرك‌های ساختاری	STS	۰/۹۰۶	۰/۹۴۱

باتوجه به این که مقدار مناسب برای آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی ۰/۷ است و مطابق با یافته‌های جدول فوق این معیارها در مورد متغیرهای مکنون مقدار مناسبی را اتخاذ نموده‌اند، لذا می‌توان مناسب بودن پایایی مدل‌های اندازه‌گیری پژوهش را تأیید نمود. معیار دوم از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، روایی همگرا است که به بررسی میزان همبستگی هر سازه با سؤالات (شاخص‌ها) خود می‌پردازد.

جدول ۱۲: نتایج روایی همگرایی متغیرهای پنهان

متغیرهای مکنون	اختصار	میانگین واریانس استخراجی (AVE>0.5)
کارکردهای گزارشگری پارانوئید	PRF	۰/۵۶۳
کارکردهای عملکرد مالی	FPF	۰/۸۴۱
کارکردهای عملکرد حاکمیتی	GPF	۰/۷۸۷
کارکردهای عملکرد اجتماعی	SPF	۰/۸۲۰
محرك‌های لنگر ذهنی سهامداران	SMA	۰/۷۴۳
محرك‌های شناختی	COS	۰/۸۳۳
محرك‌های رفتاری	BES	۰/۸۹۳
محرك‌های ساختاری	STS	۰/۸۴۲

باتوجه به مقدار مناسب برای AVE، که برابر با ۰/۵ است و مطابق با یافته‌های جدول ۱۲ این معیار در مورد متغیرهای مکنون مقدار مناسبی را اتخاذ نموده، در نتیجه مناسب بودن روایی همگرایی پژوهش تأیید می‌شود. روایی واگرا معیار سوم بررسی برآزش مدل‌های اندازه‌گیری می‌باشد. روایی واگرای قابل قبول یک مدل بیانگر آن است که یک سازه در مدل، نسبت به سازه‌های دیگر تعامل بیشتری با شاخص‌هایش دارد. باتوجه به جدول ۱۳، مقدار جذر میانگین مقادیر اشتراکی متغیرهای پنهان در پژوهش حاضر که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند، از مقدار همبستگی میان آن‌ها که در خانه‌های زیرین و راست قطر اصلی قرار دارند، بیشتر است.

جدول ۱۳: ماتریس فورنل و لارکر جهت بررسی روایی واگرا

متغیرهای مکنون	اختصار	PRF	FPF	GPF	SPF	SMA	COS	BES	STS
کارکردهای گزارشگری پارانویید	PRF	۰/۷۵۰							
کارکردهای عملکرد مالی	FPF	۰/۷۴۰	۰/۹۱۷						
کارکردهای عملکرد حاکمیتی	GPF	۰/۷۳۴	۰/۳۰۹	۰/۸۸۷					
کارکردهای عملکرد اجتماعی	SPF	۰/۷۷۸	۰/۳۷۲	۰/۳۵۷	۰/۹۰۶				
محرک‌های لنگر ذهنی سهامداران	SMA	-۰/۲۸۶	-۰/۱۸۶	-۰/۲۷۱	-۰/۱۹۵	۰/۸۶۲			
محرک‌های شناختی	COS	-۰/۴۰۹	-۰/۲۵۵	-۰/۲۶۶	-۰/۳۹۸	۰/۸۹۸	۰/۹۱۳		
محرک‌های رفتاری	BES	-۰/۰۸۷	-۰/۱۱۹	-۰/۰۵۶	۰/۰۲۶	۰/۸۳۴	۰/۶۳۵	۰/۹۴۵	
محرک‌های ساختاری	STS	-۰/۲۳۵	-۰/۱۱۸	-۰/۳۶۰	-۰/۰۷۱	۰/۸۶۱	۰/۶۷۸	۰/۵۴۹	۰/۹۱۸

باتوجه به نتایج پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا مشاهده می‌شود که مدل‌های اندازه‌گیری مدل معادلات ساختاری پژوهش به نحوی مطلوب، توانایی اندازه‌گیری متغیرهای پنهان پژوهش را دارند. لذا، در ادامه برآزش مدل ساختاری پژوهش بررسی

می‌گردد. پس از سنجش روایی و پایایی مدل اندازه‌گیری، مدل ساختاری از طریق روابط بین متغیرهای مکنون ارزیابی شد. در پژوهش حاضر از دو معیار ضریب تعیین (R^2) و ضریب قدرت پیش‌بینی (Q^2)، استفاده شده است. R^2 معیاری است که نشان از تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا دارد. مطابق با شکل ۳، مقدار R^2 برای سازه‌های درون‌زای پژوهش محاسبه شده است که می‌توان مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تأیید نمود. در ضمن، به منظور بررسی قدرت پیش‌بینی الگو از معیاری با عنوان Q^2 استفاده شد. با توجه به نتایج این معیار در جدول ۱۴ می‌توان نتیجه گرفت که مدل، قدرت پیش‌بینی «قوی» دارد.

جدول ۱۴: مقادیر ضریب تعیین (R^2) و ضریب قدرت پیش‌بینی (Q^2)

متغیرهای پژوهش	اختصار	Q^2	R^2
کارکردهای عملکرد مالی	FPF	۰/۶۱۳	۰/۶۹۵
کارکردهای عملکرد حاکمیتی	GPF	۰/۶۶۶	۰/۸۰۶
کارکردهای عملکرد اجتماعی	SPF	۰/۴۴۷	۰/۵۴۸
محرك‌های لنگر ذهنی سهامداران	SMA	۰/۴۱۲	۰/۵۳۹
محرك‌های شناختی	COS	۰/۰۵۹	۰/۰۸۲
محرك‌های رفتاری	BES	۰/۴۸۲	۰/۶۰۵
محرك‌های ساختاری	STS	۰/۶۱۷	۰/۷۴۱

پس از برازش بخش اندازه‌گیری و ساختاری مدل پژوهش حاضر، به منظور کنترل برازش کلی مدل از معیاری با عنوان GOF استفاده شد. که سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای آن معرفی شده است. این معیار از طریق رابطه ۱ محاسبه می‌گردد:

$$\text{GOF} = \sqrt{\text{Communalities} \times R^2} \quad \text{رابطه (۱)}$$

Communalities از میانگین مقادیر اشتراکی متغیرهای مکنون پژوهش و R^2

میانگین مقادیر ضریب تعیین متغیرهای درون‌زای مدل است.

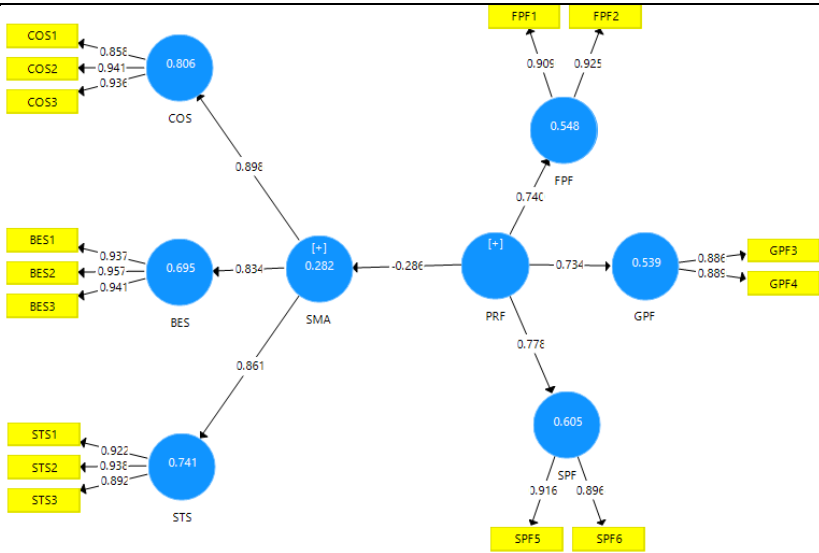
جدول ۱۵: میزان R2 و Communalities

R2	Communality	اختصار	متغیرهای مکنون
--	۰/۱۴۸	PRF	کارکردهای گزارشگری پارانوئید
۰/۵۴۸	۰/۴۴۴	FPF	کارکردهای عملکرد مالی
۰/۵۳۹	۰/۳۲۹	GPF	کارکردهای عملکرد حاکمیتی
۰/۶۰۵	۰/۴۰۱	SPF	کارکردهای عملکرد اجتماعی
۰/۲۸۲	۰/۴۶۸	SMA	محرك‌های لنگر ذهنی سهامداران
۰/۸۰۶	۰/۶۲۸	COS	محرك‌های شناختی
۰/۶۹۵	۰/۷۳۳	BES	محرك‌های رفتاری
۰/۷۴۱	۰/۶۴۲	STS	محرك‌های ساختاری

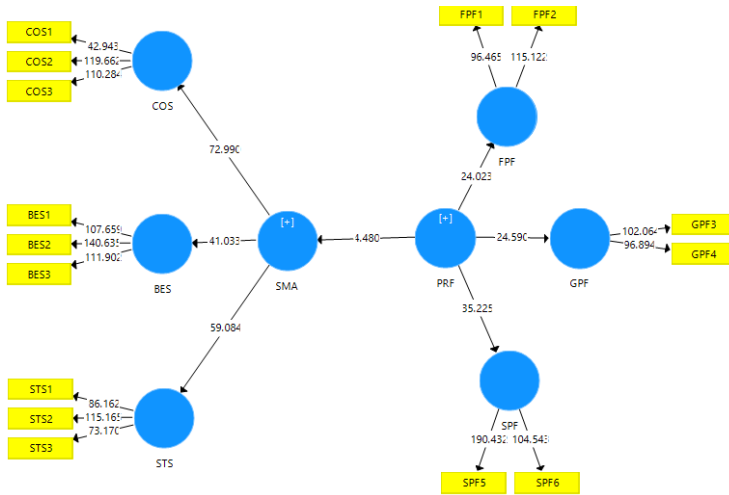
جدول ۱۶: نتایج برازش مدل کلی

GOF	R ²	Communality
۰/۵۳	۰/۶۰	۰/۴۷

باتوجه به مقدار بدست آمده برای GOF به میزان ۰/۴۷، برازش بسیار مناسب مدل کلی تأیید می‌شود. پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری و مدل ساختاری و داشتن برازش مناسب مدل کلی و باتوجه به شکل‌های ۳ و ۴، به بررسی نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود.



شکل ۳: مدل ساختاری فرضیه پژوهش همراه با ضرایب بارهای عاملی



شکل ۴: مدل ساختاری فرضیه پژوهش همراه با ضرایب معناداری

باتوجه به مدل ساختاری و ضرایب بار عاملی، در قالب جدول ۱۷ می توان نتیجه آزمون

فرضیه پژوهش را مشاهده نمود:

جدول ۱۷: نتایج مربوط به آزمون فرضیه

نتیجه آزمون	معناداری (T-) (Value)	ضریب مسیر (β)	شرح	فرضیه پژوهش
تأیید فرضیه	۴/۴۸	-۰/۲۸	کارکردهای گزارشگری پارانوئید بر لنگرهای ذهنی سهامداران تأثیر معناداری دارد.	فرضیه پژوهش

باتوجه به شکل (۳) و (۴)، ضریب استاندارد شده (ضریب مسیر)، ابعاد برآمده از گزارشگری پارانوئید بر محرک‌های لنگر ذهنی سهامداران تأثیر منفی و معناداری دارد، چراکه ضریب مسیر منفی و برابر با $-۰/۲۸$ می‌باشد و آماره t نیز برابر با $۴/۴۸$ می‌باشد، که باتوجه به این که بزرگتر از $۱/۹۶$ است، در نتیجه فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این مقاله طراحی چارچوب کارکردهای گزارشگری پارانوئید و بررسی تأثیر آن بر لنگرهای ذهنی سهامداران می‌باشد. در تحلیل نتیجه کسب شده بایستی بیان شود، تمرکز بر ارتقاء کارکردهای گزارشگری از طریق شیوه پارانوئید، می‌تواند احتمال تحریک محرک‌های لنگر ذهنی سهامداران را کاهش دهد. در واقع شیوه‌ی گزارشگری پارانوئید، بیان‌کننده‌ی رویکردهای مصداقی است که شرکت‌ها می‌توانند از طریق آن زمینه‌های فراگیرتری از عملکردهای خود را به اطلاع ذینفعان برسانند تا تصمیم‌گیرندگان مالی از شناخت جامع‌تری برخوردار شوند. مسلماً تحت چنین شرایطی، فاکتورهای مؤثر بر تقویت سوگیری لنگرهای ذهنی سهامداران از تحریک کمتری برخوردار خواهند بود، چراکه سطح اطلاعات افشاء شده به آنان کمک می‌کند تا در تصمیم‌گیری‌های خود به گونه‌ای واقع‌بینانه‌تر نسبت به ارزیابی شرایط اقدام نمایند. لذا بکارگیری رویکرد پارانوئید در گزارشگری مالی، به افشاء اطلاعات با محتوای بیشتر و اغراق کمتر جهت انعکاس واقعیت‌ها به سهامداران و سایر ذینفعان منجر خواهد شد تا تصمیم‌گیرندگان مالی بر مبنای مسیری از جریان اطلاعات مبتنی بر لحن منفی و بدور از خوش‌بینی یا بیش‌اطمینانی مدیران، آنان را در رسیدن به فضائلی از نظر آگاهی و شناخت بیشتر کمک نماید تا به دور از تعصب‌ها یا بروز رفتارهای نابهنجار، اصل واقعیت عملکردی را مورد قضاوت قرار دهند.

معمولاً تعدد گزارش‌های همراه و افشاء اطلاعات مبتنی بر واقعیت‌ها حتی با رویکرد غیر خوش‌بینانه، بسط نوعی اعتمادافزایی از جانب شرکت به سهامداران می‌تواند تلقی گردد تا ضمن این که شکاف نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی کاهش یابد، این امکان را به سهامداران می‌دهد تا سوگیری مبتنی بر لنگر ذهنی ایجاد شده از کارکردهای بازار سرمایه را کاهش دهند و رویکردهای سهامداران قبل از اتخاذ یک تصمیم توأم با هیجان، به سمت یک بینش و ادراک آگاهانه حرکت نمایند. تحت چنین شرایط محرک‌های شناختی؛ رفتاری و ساختاری که زمینه‌ی بروز سوگیری لنگر ذهنی را ایجاد می‌نمود، از اثرگذاری تحریک ادراکی کمتری برخوردار خواهد بود و تصمیم‌ها به سمت تحلیلی شدن بیشتر حرکت می‌کند. به عبارت دیگر، کارکردهای ذهنی در تصمیم‌گیری تحت وجود گستردگی اطلاعات افشاشده از طریق کارکردهای پارانوئید، لنگرهای مبتنی بر تجارب گذشته‌ی سهامداران را تغییر می‌دهد و به واسطه حجم اطلاعات ارائه شده از مجموع گزارش‌های مالی توسط شرکت‌ها، ریسک‌های سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. چراکه غالباً وقوع یا عدم وقوع لنگرهای ذهنی سرمایه‌گذاران در بازار، با اتکا به مجموعه‌ای از اطلاعات قابل دسترسی است که شکل می‌گیرد و ترکیب شدن آن با تجربیات گذشته سبب می‌شود، تا فرد دچار سوگیری گردد. در نهایت نیز باید اذعان نمود، گزارشگری پارانوئید با کاهش هیجانات کاذب بازار که بدلیل ناکارایی؛ عدم تقارن و یا رانت‌های اطلاعاتی ایجاد شده است، زمینه برای تحلیل‌های ادراکی توأم با واقعیت برای سهامداران را ممکن می‌سازد و از این راه پدیده لنگرذهنی در بازار را تا حد زیادی کنترل می‌نماید. همانطور که در توسعه فرضیه پژوهش اذعان شد، اگرچه مصداق بارزی برای طرح رویکرد ایت مطالعه مبنی بر بررسی تأثیر گزارشگری پارانوئید بر لنگر ذهنی سهامداران در پژوهش‌های گذشته وجود ندارد و ماهیت این مطالعه را به یک دانش نوظهور بدل می‌نماید، اما می‌توان استنباط نمود که اساساً بکارگیری زبانی واقع‌بینانه در افشاء اطلاعات و اجتناب از خوش‌بینی مفرط در برآوردهای مالی شرکت‌ها در آینده، زمینه برای حفظ توازن بازار را تسهیل می‌نماید و تا حدی از بروز چنین تورشیه در تصمیم‌گیری‌های مالی جلوگیری می‌کند. لذا تطبیق با نتایج صرفاً براساس ماهیت تفسیر محتوایی مسئله مورد مطالعه صورت می‌گیرد. براین اساس نتیجه کسب شده با پژوهش‌های کیم و همکاران (۲۰۲۲)؛ جاین و همکاران (۲۰۲۲)؛ جمال و همکاران (۲۰۱۸) و آریکان (۲۰۱۸) دارای تطبیق می‌تواند تلقی

شود، چراکه این پژوهش‌ها توسعه فراگیر اطلاعات از طریق گزارشگری مالی را مبنای بر جلوگیری از بروز هیجانانگیز در تصمیم‌گیری‌های مالی تلقی می‌نمایند.

بر اساس نتایج کسب شده به سیاستگذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی توصیه می‌شود تا سطح نظارت‌های نهادی بر شرکت‌ها را مبنی بر افشاء فراگیر اطلاعات به شکل منسجم‌تری توسعه بخشند تا از این طریق از بروز ناهنجاری‌های رفتاری در بازار سرمایه جلوگیری شود. در واقع به دلیل حوادث گذشته بورس اوراق بهادار تهران که باعث شده بود تا عدم شفافیت‌های مالی به تضييع حقوق سهامداران منجر شود، شرایط امروز بازار سرمایه ایران به حمایت‌های نهادی مبنی بر ترویج هنجارهایی در افشاء اطلاعات نیاز دارد تا به واسطه مسئولیت‌پذیری افشاء اطلاعات، رضایت سهامداران را به گونه‌ای افزایش دهند تا رفتارهای توده‌وار که ناشی از لنگرهای ذهنی گذشته می‌باشد، قابل کنترل گردد. از طرف دیگر به شرکت‌ها توصیه می‌شود، اقدامات لازم در راستای توسعه کارکردهای گزارشگری پارائونید همچون ارائه‌ی گزارش‌های تفسیری مدیریتی؛ بکارگیری فرآیند رتبه‌بندی اطلاعات و افشاء جزئیات ریسک را به گونه‌ای منسجم در قالب گزارش‌های همراه صورت‌های مالی به سهامداران و سایر ذینفعان انعکاس دهند تا از این طریق سطح قابلیت اتکاء‌پذیری اطلاعات افشاشده را به شکل فراگیری در بین تصمیم‌گیرندگان مالی به عنوان یک ارزش رقابتی ترویج دهند. تمرکز بر چنین استراتژی باعث می‌شود تا لنگرهای ذهنی شکل گرفته در بین سهامداران را به طور اثربخشی کنترل نماید و مانع از بروز تصمیم‌های هیجانی و احساسی ناخودآگاهی سهامداران گردند که تحت تأثیر محرک‌های بیرونی احتمال اتخاذ آن وجود دارد. همچنین شرکت‌ها می‌بایست با برگزاری جلسات متوالی با سهامداران خود، سیاست‌گذاری‌های خود مبنی بر افشای واقع‌بینانه اطلاعات را به آنان انتقال دهند تا مانع از بروز ریسک فاکتورهای محرکی در تصمیم‌گیری‌های مالی در برابر شرکت گردند که به دلیل ناهنجاری ایجاد شده، باعث پیامدهای منفی مانند ریسک سقوط قیمت سهام شوند.

یادداشت‌ها

- | | |
|--------------------|--------------------|
| 1. Vellucci | 2. Christiaens |
| 3. Martinez et al. | 4. Rutherford |
| 5. Uncertainty | 6. Bazerman & Moor |
| 7. Chen et al. | 8. Hur & Singh |

- | | |
|--|--|
| 9. Shin & Park | 10. Lam et al. |
| 11. Li & Yu | 12. Tlili et al. |
| 13. Lu | 14. Hofstadter |
| 15. Murphy et al. | 16. Muniesa |
| 17. Beckman and Di Leo | 18. Short |
| 19. Schneiderman | 20. Beckman |
| 21. Power | 22. Sociology of Accounting Reliability |
| 23. Financial Statements Restatement | 24. Erb & Pelger |
| 25. Financial Accounting Standards Board | 26. International Accounting Standards Board |
| 27. Ravenscroft and Williams | 28. Pelger |
| 29. Mohanty et al. | 30. Ashfaq et al. |
| 31. Tversky & Kahneman | |

منابع

جاودان زاده، بیژن؛ حجازی، رضوان؛ صالحی، اله کرم؛ بصیرت، مهدی. (۱۴۰۱). تأثیر لنگر ذهنی بر تصمیمات سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۱۵(۵۸): ۳۰۷-۳۲۸.

جاودان زاده، بیژن؛ حجازی، رضوان؛ صالحی، اله کرم؛ بصیرت، مهدی. (۱۴۰۰). علیت گرنجری تأثیر کیفیت گزارشات مالی و عدم تقارن اطلاعاتی بر میزان پدیده لنگر ذهنی در بورس اوراق بهادار تهران. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۰(۳۶): ۱۷۷-۲۰۲.

حنیفه زاده، لطیف؛ شعری، صابر؛ بزرگ اصل، موسی؛ رحیمیان، نظام الدین. (۱۳۹۹). گزارشگری مالی و پدیده لنگر ذهنی سرمایه گذاران، پژوهش های کاربردی در گزارشگری مالی، ۹(۲): ۱۱۵-۱۵۴.

خواجوی، شکراله؛ ویسی حصار، ثریا؛ نصیری فر، هاشم. (۱۴۰۰). تأثیر ساختار سهامداران بر نقدشوندگی سهام با تأکید بر نقش محدودیت مالی، پژوهش های حسابداری مالی، ۱۳(۴): ۶۷-۹۲.

رهنمای رودپشتی، فریدون؛ نیکومرام، هاشم؛ جهان میری، محمدحسام. (۱۳۹۷). عدم اطمینان اطلاعاتی معیاری جهت تبیین بازدهی سهام (نگرشی مبتنی بر مالی رفتاری)، دانش سرمایه گذاری، ۷(۲۶): ۱۳۱-۱۴۸.

کلایان مقدم، هما؛ مهارتی، یعقوب؛ اشرفی، مجید؛ خوراکیان، علیرضا. (۱۳۹۹). شناسایی

عوامل مؤثر بر تشخیص فرصت‌ها برای خلق ارزش اجتماعی در ایران: نظریه‌پردازی داده‌بنیاد با رویکرد ظاهرشونده (گلگیری). *علوم/اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۷(۱): ۸۷-۱۴۱

میرزائی، سعیده؛ عبدلی، محمدرضا؛ کوشکی جهرمی، علیرضا. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر لحن بدبینانه گزارشگری مالی بر گزارشگری مالی متهورانه: حفاظت از حقوق سهامداران، *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۷(۶۵): ۱۰۹-۱۳۸.

Arikan, O. (2018). Financial estimates against investors' preferences: anchoring, denial and spillover effects, *Accounting and Business Research*, 48(3): 299-320.

<https://doi.org/10.1080/00014788.2017.1367915>

Ashfaq, M., Shafique, A. and Selezneva, V. (2023). Exploring the missing link: Financial literacy and Cognitive biases in Investment Decisions, *Journal of Modelling in Management*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/JM2-11-2022-0266>

Bazerman, M., Moor, M. (2013). Judgment in managerial decision making, Eighth edition, John Wiley & Sons.

Beckman, F. (2020). The paranoid style in postcritique, *Symploke*, 28(1/2): 37-49. <https://doi.org/10.5250/symploke.28.1-2.0037>

Beckman, F. and Di Leo, J.R. (2021). Paranoid politics: an introduction, *Symploke*, 29(1/2): 9-19.

Chen, Ch., He, F., Lin, L. (2024). Anchoring effect, prospect value and stock return, *International Review of Economics & Finance*, 89(1): 1539-1556. <https://doi.org/10.1016/j.iref.2023.09.008>

Christiaens, T. (2019). Financial neoliberalism and exclusion with and beyond Foucault, *Culture & Society*, 36(4):95-116 <https://doi.org/10.1177/0263276418816364>

Erb, C. and Pelger, C. (2015). Twisting words? A study of the construction and reconstruction of reliability in financial reporting standard-setting, *Accounting, Organizations and Society*, 40(2): 13-40. <https://doi.org/10.1016/j.aos.2014.11.001>

Glaser, B. G. (1992). Theoretical sensitivity: advances in the methodology of grounded theory. Mill Valley, Calif.: Sociology Press.

Hanifezade, L., Sheri, S., Bozorgh Asl, M., & Rahimian, N. (2021). Financial reporting and the phenomenon of investors' mental anchors in the Tehran Stock Exchange. *Applied Research in Financial Reporting*, 9(2): 115-154. [in Persian].

Henwood, K., & Pidgeon, N. (1992). Qualitative research and

- psychological theorizing. *British Journal of Psychology*, 83(2): 97-111. <http://dx.doi.org/10.1111/j.2044-8295.1992.tb02426.x>
- Hofstadter, R. (1965), *The Paranoid style in american politics and other essays*, Alfred Knopf, New York, NY.
- Hur, J., Singh, V. (2020). How do disposition effect and anchoring bias interact to impact momentum in stock returns? *Journal of Empirical Finance*, 53(1): 238-256. <https://doi.org/10.1016/j.jempfin.2019.07.007>
- Jain, J., Walia, N., Kaur, M. and Singh, S. (2022). Behavioural biases affecting investors' decision-making process: a scale development approach, *Management Research Review*, 45(8): 1079-1098. <https://doi.org/10.1108/MRR-02-2021-0139>
- Jamal, K., Marshall, E. and Tan, Hm T. (2018). Does disclosure of conflict of interest increase or decrease bias? *AUDITING: A Journal of Practice & Theory*, 35(1): 89-99. <https://doi.org/10.2308/ajpt-51018>
- Javadanzadeh, B., Hijazi, R., Salehi, A., Basirt, M. (2022). The effect of mental anchor on investors' decisions in Tehran Stock Exchange, *Stock Exchange Quarterly*, 15(58): 307-328. [in Persian].
- Javdanzade B, Hejazi R, Salehi A K, Basirat M. (2021). Granger causality, the effect of quality of financial reports and information asymmetry on the rate of mental anchor phenomenon in Tehran Stock Exchange. *Journal of Islamic Economics & Banking*, 10(36): 7-23. [in Persian].
- Kalalian-Moghadam, H., Mahrati, Y., Ashrafi, M. & Khodavian, A. (2019). Identifying factors affecting the recognition of opportunities for creating social value in Iran: data base theorizing with an emergent approach. *Social Sciences of Ferdowsi University of Mashhad*, 17(1): 141-87. [in Persian].
- Khajavi, S., Weysihsar, S., & Nasirifar, H. (2022). Effect of shareholders' structure on stock liquidity with an emphasis on the role of financial constraints. *Financial Accounting Research*, 13(4): 67-92. [in Persian].
- Kim, J., Dong, H., Choi, J., Chang, S, R. (2022). Sentiment changes and negative herding: Evidence from microblogging and news, *Journal of Business Research*, 142(2): 364-376. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2021.12.055>
- Lam, T.Y.M., Hasell, T.O. and Tipping, M.L.D.B. (2024). The relative significance of behavioural finance factors in the investment decisions of Australasian REITs, *Property Management*, 42(1): 124-139. <https://doi.org/10.1108/PM-08->

2023-0072

- Li, J., Yu, J. (2012). Investor attention, psychological anchors, and stock return predictability, *Journal of Financial Economics*, 104(2): 401-419. <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2011.04.003>
- Lu, J. (2022) Limited attention: implications for financial reporting. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3278995>
- Martinez, A, P., Shevlin, M., Valiente, C., Hyland, Ph., Bentall, R, P. (2022). Paranoid beliefs and conspiracy mentality are associated with different forms of mistrust: A three-nation study, *Frontiers in Psychology*, 13(2): 76-111. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.1023366>
- Mirzayee, S., Abdoli, M., & Koushki jahromi, A. (2020). Financial reporting language bad on aggressive financial reporting investor protection. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 17(65): 109-138. [in Persian].
- Mohanty, S., Patnaik, B.C.M., Satpathy, I. and Sahoo, S.K. (2023). Cognitive biases and financial decisions of potential investors during Covid-19: an exploration, *Arab Gulf Journal of Scientific Research*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/AGJSR-12-2022-0296>
- Muniesa, F. (2022). Paranoid Finance, Post-Print halshs-03827920, HAL, Wiley, 1-276. <https://doi.org/10.1353/sor.2022.0041>
- Murphy, T., O'Connell, V. and Ó hÓgartaigh, C. (2013). Discourses surrounding the evolution of the IASB/FASB conceptual framework: What they reveal about the 'living law' of accounting, *Accounting, Organizations and Society*, 38(1): 72-91. <https://doi.org/10.1016/j.aos.2012.07.003>
- Pelger, C. (2020). The return of stewardship, reliability and prudence: a commentary on the IASB's new conceptual framework, *Accounting in Europe*, 17(1): 33-51. <https://doi.org/10.1080/17449480.2019.1645960>
- Power, M. (2010). Fair value accounting, financial economics and the transformation of reliability, *Accounting and Business Research*, 40(3): 197-210. <https://doi.org/10.1080/00014788.2010.9663394>
- Ravenscroft, S. and Williams, P.F. (2009). Making imaginary worlds real: the case of expensing employee stock options, *Accounting, Organizations and Society*, 34(6/7): 770-786. <https://doi.org/10.1016/j.aos.2008.12.001>
- Ritika, A. and Kishor, N. (2022). Development and validation of behavioral biases scale: a SEM approach, *Review of Behavioral Finance*, 14(2): 237-259. <https://doi.org/10.1108/RBF-05-2020-0087>
- Roodpashti, F., Nikumram, H. & Jahanmiri, M, H. (2017).

- Informational uncertainty as a criterion for explaining stock returns (an approach based on behavioral finance), *Investment Knowledge*, 7(26): 131-148. [in Persian].
- Rutherford, B.A. (2023). The paranoid style in the sociology of financial reporting principles, *Meditari Accountancy Research*, 31(6): 1798-1826. <https://doi.org/10.1108/MEDAR-08-2021-1393>
- Schneiderman, D. (2016). The paranoid style of investment lawyers and arbitrators: investment law norm entrepreneurs and their critics, in lim, C. (Ed.), *alternative Visions of the international law on foreign investment: essays in honour of muthucumaraswamy sornarajah*, Cambridge University Press, Cambridge, pp. 131-55. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2670118>
- Shin, H., Park, S. (2018). Do foreign investors mitigate anchoring bias in stock market? Evidence based on post-earnings announcement drift, *Pacific-Basin Finance Journal*, 48(3): 224-240 <https://doi.org/10.1016/j.pacfin.2018.02.008>
- Short, J. L. (2012). The paranoid style in regulatory reform, *Hastings Law Journal*, 63(3): 633-694. https://repository.uclawsf.edu/hastings_law_journal/vol63/iss3/1
- Tlili, F., Chaffai, M. and Medhioub, I. (2023). Investor behavior and psychological effects: herding and anchoring biases in the MENA region, *China Finance Review International*, 13(4): 667-681. <https://doi.org/10.1108/CFRI-12-2022-0269>
- Tversky, A., Kahneman, D. (1974). Judgment under uncertainty: *heuristics and biases*, *Science*, 185(2): 1124-1130.
- Vellucci, P. (2021). A critique of financial neoliberalism: a perspective combining multidisciplinary methods and commodity markets, *SN Business & Economics*, 1(50): 213-238. <https://doi.org/10.1007/s43546-021-00054-9>
- Wang, B. (2023). The impact of anchoring bias on financial decision-making: exploring cognitive biases in decision-making processes, *Studies in Psychological Science*, 1(2): 41-50. <https://doi.org/10.56397/SPS.2023.09.04>
- Yin, Sh., Chevapatrakul, Th., Yao, K. (2023). The causal effect of improved readability of financial reporting on stock price crash risk: evidence from the plain writing act of 2010, *Economics Letters*, 216(2): 109-132.